

هشیاری، آمادگی و مقابله با توطئه های ضد انقلاب، مبرم ترین وظیفه دولت جدید است

روزیکنشبه در جلسه علنی مجلس شورای اسلامی، معرفی نامه آقای بنی صدر، رئیس جمهور درباره نخست وزیر مطرح شد و روز دوشنبه نمایندگان به نخست وزیر آقای محمدعلی رجایی رای تمایل دادند. در این جلسه ۱۹۶ نفر نماینده حاضر بودند، که از آن میان ۱۵۳ نفر رای موافق، ۲۴ نفر رای مخالف و ۱۹ نفر رای ممتنع دادند. بدین ترتیب، همانطور که مادر شماره یکشنبه نوشته بودیم، آقای محمدعلی رجایی بسمت نخستین نخست وزیر دولت رسمی و غیرموقت جمهوری اسلامی ایران برگزیده شد.

اینک بدنبال تعیین و استقرار نهادهای مختلف کشوری، طبق قانون اساسی، ایران دارای نخست وزیر نبیند و اکنون تنها وظیفه ای که از این نظر باقیمانده است، تعیین وزیران و تشکیل هیئت دولت و تدوین برنامه دولت است، تا پس از معرفی و گرفتن رای اعتماد و تصویب برنامه دولت، مرحله تازه ای از روند انقلاب و سازندگی کشور آغاز گردد.

در این باره چه باید گفت؟

نخست اینکه آقای رجایی باید وظیفه تعیین وزیران را هرچه زودتر انجام دهد. کشور ما و لحظات بسیار حساسی که انقلاب از سر میگذراند، متأسفانه پیرامون کارهای مقدماتی درباره تعیین بقیه در صفحه ۲

توطئه مشترک امپریالیسم آمریکا و انگلیس علیه انقلاب ایران

بلوچستان، پایگاه سیاسی - نظامی خود را در داخل ایران ایجاد کنند و هجوم به انقلاب ایران و سرکوب آنرا میسر سازند. اکنون خبر تایید این توطئه را می شنویم.

همکاری امپریالیسم فرتوت و مکار انگلیس با امریکای جهانخوار امروزی نیست. مردم ایران نبرده اند که سازمانهای جاسوسی سیا و اینتلجنت سرویس مشترک طرح کودتای شوم را ریختند و به اجراء آوردند. روزی که دولت ملی مصدق سرنگون شد و کودتا پیروز گردید، ایدن، وزیر امور خارجه وقت انگلیس در خاطراتش نوشت که، سرانجام توانست است شب را راحت بخوابد! اکنون نیز که انقلاب ایران باریکتر متاع این دو امپریالیسم متجاوز را در خطر قرار داده است، بقیه در صفحه ۲

روبرنامه های ایران از قول خبرگزاری های خارجی از توطئه مشترک امپریالیسم آمریکا و انگلیس، علیه انقلاب ایران خبر داده اند. روزنامه "جمهوری اسلامی" گزارش خبرگزاری ناس از واشنگتن را نقل می کند که بر اساس آن "ایالات متحده و انگلیس طرحی برای تقسیم ایران ریخته و درباره این طرح سرگرم مذاکره اند."

س از شکست توطئه همدان (۱۸ تیر ۵۹) ما به تکرار هشدار دادیم که امپریالیسم آمریکا و متحدانش بر این تصمیم اند که بخش هایی از خاک ایران را جدا سازند و با استفاده از آن به عنوان پایگاه، به کل انقلاب ایران یورش برند و آنرا درهم شکنند. آنها در نظر دارند که با استفاده از پایگاه هایی که در کردستان برای خود فراهم آورده اند، با جدا ساختن خوزستان - منطقه طالی سیام - و برخی از مناطق جنوبی کشور از جمله



دوره هفتم، سال دوم، شماره ۳۰۶
چهارشنبه ۲۲ مرداد ۱۳۵۹، شماره ۱۵۱۵۰۰

حجت الاسلام خامنه ای:
امروز، ما در مقابل
آمریکا با همه ابعاد و
همه نیروها ایستاده ایم

حجت الاسلام خامنه ای، امام جمعه تهران، در پیروزی در خطبه های نماز عید فطر، امپریالیسم آمریکا را شدیداً مورد حمله قرار داد و وظیفه مهم انقلاب ایران را مبارزه با این امپریالیسم شمرد. حجت الاسلام خامنه ای از جمله گفت:

"... امروز روز برخورد قاطع ما با ابرقدرت امریکاست. مساله ما با آمریکا، بالاتر از ندانستن نظام و دوستی است. اگر سال گذشته دولت ما و ستولان امریکا دچار رودریایی هم با آمریکا بودند، امروز دیگر ملت ما هیچ گونه رودریایی با ابرقدرت ظالم آمریکا ندارد. این یک تحول اساسی در مسائل ایران است و مسائل ایران به سبب این موضع قاطع در مقابل ابرقدرت آمریکا صورت مسائل حاد یک انقلاب ضد امپریالیستی رانده و ما اگر روایطمان را با آمریکا به این بورت قاطع قطع نمی کردیم و سینه به سینه آن درت ظالم ستمگر نمی ایستادیم، یقیناً امروز قلاب ما از مسیر خود منحرف شده بود. امروز در مقابل آمریکا با همه ابعاد و همه نیروها ایستاده ایم... ما امروز در صحنه بین المللی وجود همه فشارهایی که آمریکا و دولت های میمنه و همفکر و دست نشانده اش در اروپا و ریف و جاهای دیگر با همه فشارهایی که روی می آورند، فاتح و بیروز ما هستیم نه آمریکا. توانستیم یک موج ضد امریکایی قوی در اوس منطقه علیه آمریکا بوجود بیاوریم. اکنون هیچ انقلابی نتوانسته بود در این منطقه، چنین موج عظیم و قوی را بوجود بیاورد. با این راه را پیش خواهیم رفت و این خط را خردا نخواهیم داد."

حمله به گروه ها در خط امام نیست

امام کرده، قانون اساسی را زیر پا انداخته و دست به عملی زده اند که نهایتاً "فدا انقلاب از آن سود خواهد برد؟ چگونه است که دو هفته پس از انتشار اعلامیه دادستان کل کشور، حمله به دفتر حزب ما هنوز ادامه دارد و در روز قدس کسانی به مراکز و کتابفروشی های حزب توده - ایران در بندر انزلی و خوی، هجوم برده و آنها را درهم کوبیده اند؟ چگونه است که هنوز خانه مرکزی حزب ما

بستند در خانه ما را و چه باطل حق است که در را به حقیقت بگشاید

آیت الله موسوی اردبیلی، دادستان کل کشور، در مصاحبه تلویزیونی خود، در پاسخ خبرنگار تلویزیون در مورد هجوم عده ای به مراکز احزاب و سازمانها، تصریح کرد که: حمله به گروه ها در خط امام نیست. سه هفته پیش، خانه حزب توده ایران آماج هجوم عناصر ناشناخته ای قرار گرفت، که متأسفانه هنوز هم هویت سیاسی شان روشن نیست. اما آنچه روشن است، آنست که، این عناصر تحریک شده، اقدامات تجاوزی خود را به حریم احزاب و سازمان های سیاسی، زیر نقاب دفاع از خط امام انجام می دهند.

خط امام چیست؟ خط مبارزه قاطع علیه امپریالیسم، علیه سرمایه داران بزرگ و وابسته، بسود طبقات و فشرهای محروم جامعه، خط حرکت مردم بسوی وحدت کلمه و اتحاد در برابر دشمنان مشترک خارجی و داخلی است. بنابراین تمام سازمان ها و احزاب سیاسی، که مبارزه آنان در راستای مبارزه علیه امپریالیسم، بسود تضعیف مواضع سرمایه داری و تحکیم و گسترش اقدامات انقلابی در جهت منافع زحمتکشان است، حق نیست قانونی و مشروع در جمهوری اسلامی ایران دارند و هیچ نیرویی مجاز نیست آنها را مورد بورش و حمله قرار دهد و دایره فعالیت آنها را تنگ سازد، علاوه بر آنکه قانون اساسی جمهوری اسلامی همزیستی آزاده عقاید و مواضع گوناگون را در کنار هم تضمین کرده است.

اکنون این سوال مطرح میشود: در حالیکه دادستان کل کشور، که از عالیتترین شخصیت های قضایی است، عمل حمله به سازمان ها و گروه ها را محکوم می کند، آنرا مغایر با خط امام می داند، مخالف قانون اساسی می شمارد و بسود فدا انقلاب توصیف می کند، چگونه است کسانی که مدعی سروی از خط امام اند، شت به خط

دفتر نامه «مردم» در گرسار باردیگر مورد هجوم و تخریب قرار گرفت

ما خواستار اجرای هر چه سریعتر اعلامیه دادستان کل کشور هستیم

دفتر نامه "مردم" در گرسار باردیگر مورد هجوم قرار گرفت و تخریب شد. این حمله که توسط اوباشان و عوامل ضد انقلاب و به تحریک حامیان فئودالها و مالکان بزرگ انجام شد، چهارمین هجوم از نوع خود بود که در دوره اخیر به دفتر نامه "مردم" در گرسار، صورت گرفته است.

این هجوم که در پی اعلامیه دادستان کل کشور صورت گرفت، نشان داد که ضد انقلاب برای زیربنا نهادن قانون اساسی و موضع گیری صریح دادستان کل کشور، از هیچ گونه تلاشی فروگذار نمی کند و در صورت عدم مقابله قاطع مسئولین جمهوری اسلامی ایران با آن، به اعمال جورانه بیشتری نیز دست خواهد زد.

حمله به دفتر به هنگام راهپیمایی روز قدس صورت گرفت. اوباش و عناصر ضد انقلابی که خود را در صفوف راهپیمایان جازده بودند، یکبار تلاش کردند تا بهنگام عبور جمعیت از مقابل دفتر، آنها را برای حمله به دفتر تحریک بقیه در صفحه ۲

هاشمی رفسنجانی:

ما مطمئن هستیم که شیطان بزرگ به این زودی هادست از سر ملت ما بر نمی دارد. ما آماده مقابله هستیم

در ساعت ۴ بعد از ظهر روز دوشنبه ۲۰ مرداد ۵۹ در محل مجلس شورای اسلامی، مصاحبه مطبوعاتی با حضور آقای هاشمی رفسنجانی، رئیس مجلس برگزار شد. در این مصاحبه مطبوعاتی خبرنگار "نامه مردم" نیز حضور داشت.

در آغاز آقای رفسنجانی در پاسخ به پرسش مربوط به توطئه های کودتایی امریکایی گفت: "کودتاگران مجازات می شوند. الان هم می بینیم که مجازات شده اند."

وی متذکر گردید: ما مطمئن هستیم که شیطان بزرگ به این زودی دست از سر ملت ما بر نمی دارد. ما آماده مقابله هستیم."

رئیس مجلس در پاسخ به این پرسش که آیا ارتباطی با آمریکا مطرح است یا نه، گفت: "هیچ گونه ارتباطی با آمریکا مطرح نیست. ما می بینیم که پیغامهایی و نامه هایی از اعضای کنگره آمریکا می رسد. همین امروز هم یک نامه ای از ۳ نفر از اعضای کنگره رسیده است که: کنگره در ارتباط با دانشجویان ایرانی در آمریکا به وظائف خود عمل کرده است" و آنها خواستارند بقیه در صفحه ۲

تظاهرات اعتراض آمیز مردم در برابر سفارت انگلستان



برای مبارزه با امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم!

بقیه از صفحه ۱

توطئه مشترک امپریالیسم...

مشترکا و در همکاری با هم، قصد براندازی نظام جمهوری اسلامی ایران را کرده‌اند. امپریالیسم آمریکا که نیرومندترین رژیم دست نشانده خود در منطقه، یعنی رژیم شاه سابق را از دست داده و به دنبال آن تمام منافع اقتصادی، سیاسی، نظامی و استراتژیکی اش در این ناحیه بخطر افتاده، یک آن از توطئه علیه انقلاب ایران غافل نیست. مسدود ساختن پولهای ایران در بانکهای آمریکا موهبتیافتاد، کشور را محاصره اقتصادی کرد. طرح توطئه طیس را ریخت. توطئه طیس مفتضحانه ناکام ماند، توطئه همدان راپیاده کرد، توطئه همدان در منطقه خفه شد، اینک در صد جدا ساختن مناطقی از ایران است.

امپریالیسم درنده آمریکا که میلیاردها دلار ثروت کشور را غارت کرده و نقشه‌های طولانی برای غارت گنجهای دست نخورده زیرزمینی ما داشته‌است، امپریالیسم آمریکا که ایران را به پایگاه نظامی و جاسوسی خود علیه اتحاد شوروی و رژیمهای مترقی منطقه بدل کرده بود، امپریالیسم آمریکا که در همه شئون کشور را رخنه تباهی آور داشت، روشن است که نمی‌تواند به این آسانی دل از این همه مزایا و مواهب برگیرد و به خانه خود بازگردد.

امپریالیسم آمریکا که موجودیتش مرهون غارت و تجاوز و ستم برخلقهای مستضعف جهان است، قادر به ترک عادت نیست، و نمی‌تواند یکی از سرشارترین منابع غارت و تجاوز و ستم خود را به سبوت از دست بدهد. از اینجاست که بلافاصله پس از پیروزی انقلاب ۲۲ بهمن، امپریالیسم آمریکا به تقویت مواضع نظامی خود در اقیانوس هند و خلیج فارس دست زد، تجهیزات کامل نظامی، ارتش ۱۱۰ هزار نفری و اکتش سریع و فتکدار دریایی به منطقه فرستاد، تا از "منافع ملی" آمریکا در این سرچنان دفاع کنند. و اکنون با استفاده از همین پایگاهها و تجهیزات نظامی است که قصد تجاوز به خاک ایران، مجزاساختن بخشهای غربی و جنوبی کشور، بعنوان سرپل و پایگاه هجوم همه جانبه به انقلاب را کرده‌است.

امپریالیسم دغلكار انگلیس نیز برای آنکه از غارت امپریالیستی کشور را بی‌نیصیب نماند، و مواضع در منطقه تضعیف نشود، در پنهان با یار همیشگی خود امپریالیسم آمریکا، بر سر میز توطئه براندازی نشست‌است و خواب سرنگونی نظام جمهوری اسلامی ایران را می‌بیند.

امپریالیسم انگلیس برای تقویت رژیمهای ارتجاعی منطقه، از جمله دست به تسلیح رژیم دست‌نشانده قابوس، نوجه "آریامهر" زده و اخیرا بیش از ۳۰۰ میلیون دلار سلاح سنگین نظامی به این رژیم متزلزل بوسالی فروخته‌است. در چنین شرایط حساسی، باید چشم بیدار و مغز آگاه و هشیار داشت. باید از هر جهت مواظب بود که امپریالیسم به اجرای نقشه‌های پلید خود علیه استقلال و حاکمیت کشور توفیق نیابد. استقلال و حاکمیت کشور خون هفتاد هزار شهید را وثیقه دارد و باید با جنگ و دندان از آن دفاع کرد.

مقامات مسئول مملکت وظیفه دارند که در عین هشیاری کامل، توان انقلابی، نظامی، سیاسی و اقتصادی کشور را در مقابل با توطئه‌های امپریالیستی افزایش دهند، تمام مسائل دیگر مملکتی در برابر مسئله استقلال کشور فرعی است و نباید فکرماداران را چنان بخود مشغول دارد، که از توجه به این مسئله اساسی غافل بمانند. مردم آماده‌اند، دولت و مسئولان مملکتی نیز باید آماده باشند، تا با استفاده از ایثار انقلابی مردم، راه بر توطئه‌های امپریالیسم ببندند.

دولت منتخب نخستین مجلس شورای اسلامی وظیفه دارد که، برنامه فوری و قاطع خود را در جهت درهم کوبیدن مواضع امپریالیستی و درهم شکستن شبکه جاسوسان و کارگزاران آن تدوین کند، تا این دشمنان سرسخت انقلاب ایران امکان توطئه نیابند.

طرح توطئه کارتر - برژینسکی علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران چگونه پیاده میشود

ایجاد توطئه امپریالیسم آمریکا علیه انقلاب ایران پیوسته گسترش می‌یابد. روزی نیست که ما از مجاری مختلف خبر تازه‌ای درباره اقدامات و توطئه‌های نظامی و سیاسی آمریکا و متحدانش بر ضد انقلاب ایران دریافت نکنیم. می‌بینیم که امپریالیسم آمریکا برنامه دراز مدت استراتژیک خود را برای اختناق انقلاب ما، که در نامه محرمانه برژینسکی مشاور امنیتی کارتر به وزیر امور خارجه سابق آمریکا شرح داده شده است، با پیگیری دنبال می‌کند. به این نامه که در آن رئیس سیاست آمریکا در مقابل با انقلاب ایران با وقاحت خاص امپریالیستها ذکر گردیده است، بار دیگر نظری بیفکنیم. برژینسکی به وزیر امور خارجه سابق آمریکا می‌نویسد:

"به موجب این یادداشت شما مجاز هستید اقداماتی را که در حیطه مسئولیت وزارت امور خارجه است، به عمل آورید. در مورد اقداماتی که برای نفوذ کردن در سیر تحولات ایران مشخص شده‌اند، رئیس جمهور معتقد است که اقدامات مورد نظر می‌بایستی با هماهنگی وزارت دفاع و سیا و هم چنین سایر ادارات و موسسات، هر جا که لازم باشد با توجه به نظرانی که شاه ایران در مشورت‌های اخیرش داده است، صورت پذیرد. رئیس‌جمهور همچنین خاطر نشان ساخته است که لازم است جو سرن و عدم اعتمادی را، که بین ایران و همسایگانش وجود دارد، مورد بهره‌برداری قرار داد. رئیس جمهور معتقد است که پایان حمایت سیاسی از جمهوری اسلامی خمینی، خصوصا توسط اتحاد شوروی حتما به تضعیف مواضع سیاسی خارجی رژیم خمینی منجر خواهد شد. رئیس‌جمهور همچنین تاکید کرد که، با توجه به قابل پیش‌بینی نبودن حوادث و تحولات آینده در ایران، الزاما مهم است که آمریکا با تمامی رهبران سازمانها و گرایشهای سیاسی بدون استثنا، منجمله اقلیت‌های نژادی و یا مذهبی و گروه‌های افراطی، که قادرند مقاومت‌های مسلحانه علیه رژیم خمینی را تحریک کنند، تماس‌هایی برقرار کرد. اما به هر حال با در نظر گرفتن طبیعت بسیار ظریف ایمن نوع عملیات، رئیس‌جمهور با برقراری هرگونه تماس با رهبران مذهبی و یا سیاسی و یا باند خمینی و یا اعضا مخالفین و فرماندهان عالی‌رتبه در ایران، بدون مشورت قبلی با رئیس یا سیا مخالف است."

خطوط اصلی این برنامه را از نظر بگذرانیم: نخست، اقدامات و توطئه‌های ضد انقلاب ایران باید به صورت هماهنگ بین وزارت امور خارجه، وزارت دفاع، سازمان‌های جاسوسی آمریکا و سایر

موسسات و ادارات... و همچنین سران ضدانقلاب ایران، زیر نظر رئیس جمهور آمریکا و مشاور امنیتی اش تنظیم و اجرا گردد. عمق توطئه‌ای که علیه ایران باید طرح‌ریزی و اجرا شود، از همین ترکیب پیداست. اگر ایالات متحده آمریکا با یک کشور دیگر در حال جنگ هم بود، جز این ترکیبی برای رهبری عملیات جنگی بر نمی‌گزید، و این نشان می‌دهد که حکومت آمریکا برای بازگرداندن ایران به دایره نفوذ خود، چه اهمیت عظیمی قایل است. و معنای گفته کارتر به ژسگاردستن، که "ما از ایران و آلمان به هیچ وجه صرف نظر نخواهیم کرد" چیست؟

سیاستی که امپریالیسم آمریکا برای بازگرداندن ایران به دایره نفوذ اقتصادی، سیاسی و نظامی خود می‌خواهد اتخاذ کند، از نامه برژینسکی به روشنی استنباط می‌شود:

از نظر خارجی، امپریالیسم آمریکا باید بین ایران و همسایگانش، بخصوص اتحاد شوروی "جو سون و ظن و عدم اعتماد" ایجاد کند و از این جو برای منفرد ساختن ایران در منطقه و "تضعیف مواضع سیاست خارجی رژیم خمینی" بهره‌برداری کند. از نظر داخلی، آمریکا باید "با تمامی رهبران سازمانها و گرایشهای سیاسی بدون استثنا" تماس برقرار کند. در میان این سازمانها، تکیه برژینسکی بر سازمانها و گروه‌های افراطی است که "قادرند مقاومت‌های مسلحانه علیه رژیم خمینی را تحریک کنند".

تمام این اقدامات بر ضد انقلاب ایران در صحنه بین‌المللی و در داخل کشور باید به دلیل "طبیعت بسیار ظریف" این توطئه‌ها "با مشورت قبلی با رئیس سیا" انجام گیرد. ما شاهد آنیم که امپریالیسم آمریکا برای پیاده کردن هر یک از مواد این برنامه با بی‌گیری کوش می‌کند.

باید گفت که امریکایی‌ها در اجرای این برنامه ضد ایرانی خود از پشتیبانی تمام کشورهای امپریالیستی غرب و ژاپن برخوردارند. ایالات متحده آمریکا توانسته است با همکاری امپریالیسم کارگشته انگلستان و خیانت جلدان یعنی "سون و ظن و عدم اعتماد" بین دو کشور برادر ایران و عراق را به جنگی اعلان نشده تبدیل کند، به امید آنکه بتواند نیروی انقلاب ایران را در یک جنگ فرسایشی تحلیل ببرد و بر آن، به هنگام رسیدن لحظه مساعد، ضربه وارد کند.

به "جو سون و ظن و عدم اعتماد" بین ایران و بقیه در صفحه ۵

بقیه از صفحه ۱

هشیاری، آمادگی و مقابله...

شخص نخست‌وزیر، روزها و هفته‌های بسیار گرانبهائی را از دست داد. مردم که با شور و اشتیاق مرتیا در شش رای گیری سراسر کشوری شرکت جستند، تا هر چه زودتر جمهوری اسلامی ایران را به نهادهای ضروری مسلح کنند و کار بسیاریاتی نوسازی کشور را آغاز نمایند، در ماههای اخیر متأسفانه با انواع تاخیرها و تعویق‌ها روبرو شدند. در نتیجه نبرد قدرت و رقابت‌های گروهی و شخصی، که کار را بجایهای باریک کشاند و محیطی را متشنج ساخت و بدبینی و یاس آفرید، آنچه که می‌بایست طی چند روز عملی شود، به چند ماه کشید، که همین تعیین نخست‌وزیر و حتی بحث پیرامون قبول یا عدم قبول معرفی‌نامه رئیس‌جمهوری، نمونه آنست. به این وقت از دست رفته به هیچ عنوان نباید افزود. تعیین وزراء و تدوین برنامه دولت بهیچوجه نباید مستمک طولانی شدن این دوران بینابینی شود.

صرفنظر از آنکه گروه همفکری که آقای نخست‌وزیر - قبل از رای تأیید مجلس - برای تصدی وزارتخانه‌ها بدان اشاره کرده بود، مسئولیت‌ها را تقسیم کنند، یا مسئله به شکل دیگری حل شود، در هر حال مهم آنست که اینجا دیگر نباید کار را به درازا کشاند.

مردم منتظر گاه هستند و تدوین برنامه کار و انجام واقعی کار. جامعه انقلابی ما، ۱۸ ماه بعد از پیروزی، دیگر نمی‌تواند متحمل تداوم دوران بینابینی و بی‌تکلیفی باشد، که در آن هرکسی همه کاره باشد و هیچ کس مسئولیتی نداشته باشد. انقلاب ما در روبروئی سرنوشت ساز خود با دشمن می‌طلبد که هر چه زودتر کار تعیین وزراء و تدوین برنامه دولت نیز پایان پذیرد و دشمن از فرصت بلا تکلیفی و موفی بودن اوضاع برای ضربه زدن و

بقیه از صفحه ۱

حمله به گروهبانان در...

در تصرف اشغالگران است و مقامات مسئول و از جمله دادستانی کل کشور برای بیرون راندن این گروه بی‌هویت گام مشخصی برنداشته‌اند؟ این بی‌هویت‌ها اناشیه خانه ما را به غارت برده، با استفاده از تارتاریکی شب، کتابخانه حزب ما را خالی کرده و کتابها را به نقطه نامعلومی انتقال داده‌اند، آرشو حزب ما را ضبط کرده‌اند، درهای اتاق‌ها را شکسته، دیوارها را تخریب کرده‌اند و متأسفانه هیچ مقام مسئولی از آنها نپرسیده است که: شما که هستیید؟ در اینجا چه می‌کنید؟ از که دستور گرفته‌اید؟ و زیر بیرق چه کسی سینه می‌زنید؟ پس از گذشت سه هفته، هنوز هیچ مرجع مسئولی، هویت این عمله قلع و قمع و تخریب را برای مردم افشا نکرده و به آنان توضیح نداده است که این موج ویرانگر از کجا برخاسته است؟ متأسفانه گروه‌های تخریب در سراسر کشور، مقامات مسئول جمهوری را در برابر اقدامات انجام شده ای قرار می‌دهند، که بهیچوجه قابل دفاع نیست و از نظام جمهوری اسلامی، نظام سرکوبگر تصویر می‌کنند، که فقط بسود ضد انقلاب است.

در روزهای آغازین، که ایمن گروهک‌ها به کتابفروشی‌ها حمله بردند و کتاب‌ها را بر آتش انداختند، اصم خمینی در ملامت آنان گفت: کتاب‌ها را پاره نکنید و نسوزانید، بلکه اگر نمی‌خواهید آنها را بنخوانید، امروز نه تنها کتاب و کاغذ، که پاره و سوزانیده می‌شود، بلکه اسباب و اثاثیه متعلق به یک سازمان سیاسی راه غارت می‌کنند، به خانه‌ها شان منتقل می‌کنند و در بازار بفروش می‌رسانند.

در شرایط وجود نهادهای قبلا نونی انقلاب، همچون ریاست جمهوری، دولت و مجلس شورای اسلامی، هیچ فرد گروهی حق ندارد خود را در امور اینها درگیر کند. ارگانهای قانونی فرض کنند و مستقل از آنها عمل نمایند. ما از نهادهای قانونی مملکت، بویژه دادستانی کل کشور، انتظار داریم که هر چه زودتر اشغالگران را از خانه ما برانند و آنها را با ما گردانند. ما از نمایندگان مجلس شورای اسلامی می‌خواهیم که به دفاع از قانون اساسی برخیزند و طبق آن عمل کنند. ما از تمام مسئولین مملکت، که خود را در خط امام می‌دانند، توقع داریم که از این خط خلقی و مردمی و ضد استمگری و سلطه جویی و سلطه پذیری مادقانه پاسداری کنند و اجازت ندهند که کسانی بنام دفاع از خط امام آنها را از محتوی عمیقاً انسانی و خلقی خود تهی سازند. اجازت ندهند که کسی خود را مدافع و پیرو خط امام بداند، که با اعمال و رفتار خود در برابر آن قرار گرفته‌اند. خط امام خط تفرقه و تخریب و ویرانگری نیست.

خط یگانگی و سازندگی انقلابی است

دست بردار نیست. این ماهستیم که باید بهوش بانسیم و با توطئه‌ها مقابله کنیم. این وظیفه دولت و شخص نخست‌وزیر است که بحداکنربار بسیار بر مسئولیت هشیاری آمادگی و مقابله را بردوش دارد و باید در همکاری با سایر نهادهای مقامها و شخصیهای صاحب مسئولیت کشوری و لشگری، انقلابی و اداری، مجری و تقنینیه و قضائیه، صرفنظر از سلیقه‌های شخصی وابستگی‌های گروهی، این بار را بر سر منزل مقصود یعنی نجات و پیش برد انقلاب و استحکام جمهوری اسلامی ایران برساند.

سومین نکته مهم درباره انتخاب آقا: نخست وزیر، خود مسائل و وظایف بسیاری را شامل میشود که در روزهای اخیر، "نامه مردم" بپرامور لزوم تعمیق انقلاب و رفع مشکلات و وظایف دولت جدید و انتظارات مردم از آن، را یادآوری کرد و لذا دیگر تکرار نمی‌کنیم. توجه به این نکات، باورها، راهگشای موفقیت دولت در جهت نیازها و انقلاب و خواستهای مردم خواهد بود.

دشواربها بر سر راه بی‌تردید کم نخواهد بود ولی سخن بر سر عالی‌ترین مصالح انقلاب و کشور آینده‌آن وحیاتی‌ترین منافع توده مردم زحمتکش و سرنوشت آنهاست. بدین خاطر باید همه نیروها را متحد ساخت و توطئه‌چیز کرد، همه کوسر را به کار برد تا بر دسواربها غلبه و راه انقلاب بیموده شود.

برقرار باد اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیستی و دمکراتیک ایران در جبهه متحد خلق

نامه مردم، از گمان مرکزی حزب توده ایران. دارنده امتیاز و مدیر مسئول: منوچهر بزاز. خیابان ۱۴ تهر، شماره ۶۸. محل دفتر نامه مردم، فعالان در اشغال عناصر غیر مسئول است.

تدارک پایه گذاری حزب پیشاهنگ مارکسیستی-لنینیستی در اتیوپی

"آستین ها را بالا بزنیم و به کار بپردازیم"

منگستوها یله ما ریام، رئیس کمیسیون سازماندهی حزب زحمتکشان اتیوپی و صدر شورای حکومت نظامی موقت آن کشور، چندی پیش سخنرانی خود را در اجلاس کمیسیون نامبرده در آدیس آبا با باجمعه بالا پایان داد.

سیاری از ۱۵۰۰ شرکت کننده اجلاس "کمیسیون" نخست وظیفه یافته اند که در زمینه های سیاسی، که بدین منظور تشکیل خواهد شد، آموزش ببینند. یکی از نخستین هدفهای این "کمیسیون"، ترویج اندیشه های علمی-مارکسیستی-لنینیستی در میان زحمتکشان اتیوپی است. برای وقوف بدشوار این وظیفه، با بدیاد و ورشده، پس از روند موفقیت آمیز مبارزه با بیسوادان در شهرها، مبارزه برای اوستاد آموزی روستا ثیان تازه آغاز گشته است.

منگستوها یله ما ریام، در نخستین جلسه کمیته مرکزی "کمیسیون سازماندهی حزب زحمتکشان اتیوپی"، اظهار داشت: "برای پیشبرد هدفها یما، بجز فرستادن آموزی دقیق مارکسیسم-لنینیسم، چاره ای دیگر نیست، ما اینک مرحله انقلاب ملی-دمکراتیک را میگذرانیم و کوشش فراوان می‌ورزیم، تا پایه های سوسیالیسم را بنا کنیم."

وی یادآور شد که لازمست قوانین تکامل اجتماعی را فراآموخت و آنها را به شرایط مشخص اتیوپی تطبیق داد و افزود:

"کافی نیست که شرایط را بشناسیم، باید بدانیم که شرایط را بکار آوریم، به دیگرگون سازی بپردازیم و دستهای بی بهره ای عالیتر از تکامل راه هدف خود قرار دهیم. تمام فعلیاتی ما باید بر پایه کوشش در راه پیشروی از جامعه ای فئودالی-سرمایه داری و عقب افتاده، بسوی جامعه سوسیالیستی استوار باشد."

منگستوها یله ما ریام، ضمن اشاره به پیروزیهایی که از راه زور قدرت در سال ۱۳۵۲ تاکنون نصیب خلق اتیوپی شده است، سیاستگری عمیق مردم آن کشور را از کشورهای سوسیالیستی، بویژه اتحاد شوروی ابراز داشت. او گفت:

"شش سال، زمان کوتاهی است. اما دگرگونیهای بنیادی که در این مدت کوتاه در اتیوپی بوقوع پیوسته است، بدون تردید در تاریخ کشور ما بی همتا است."

با ردیگر عمل آمریکا با پشتیبانی نسبی همه رژیمهای ارتجاعی منطقه و دست مزدوران خائن و خود فروخته خود از میان "ایرانیان"، دومین توطئه خود را برای برانداختن نظام کثونی خاکم پر کشور ما و برگرداندن نظم موابسته آمریکا بر سر تدارک دیدند، که با هوشیاری نیروهای انقلابی نقش بر آب شد. این توطئه و جریان تجا و زنتا می آمریکا در طبع نشان میدهد که امپریالیسم آمریکا و مراکز خود را در انقلاب در خارج از کشور، نیروهای خود را از میان عناصر فراری ضد انقلاب، ساواکها و افسران سرسپرده به وسیله ترین شکل در شبکه های سیاسی-نظامی سازمان داده اند و در ارتباط با "جدانقلاب داخلی" مسلسل می کنند. اگر امروز عمل رنگارنگ امپریالیسم و سلطه جویان چینی، از طرف داران بختیاری گرفته تا مزدوران آریامهری و قحطانه در خیا با نهی لندن تظاهرات برپا می کنند و به طرح توطئه های سنگین خود علیه انقلاب بزرگ ایران مشغولند، تنها و تنها دلیل عدم هماهنگی نیروهای راستین انقلابی در ایران است.

افشای توطئه و مبارزه علیه این شبکه های ضد انقلابی وظیفه فوری توطئه های امپریالیسم را ستین ضد امپریالیست و عناصر صوفی داریه انقلاب بکوه مندا ایران به رهبری امام خمینی است. ما هشدار می دهیم که هرگونه جدایی و دشمنی میان نیروهای راستین هوادار جمهوری اسلامی، که اتحاد درونی و جبهه عظیم نیروهای خلقی و ضد امپریالیستی

کنگره، با تصمیماتی چند، کونید، شرایطی فراهم آورد تا "کمیسیون سازماندهی حزب زحمتکشان اتیوپی" بتواند ندیده و نظایف خود، بعنوان یک ارگان رهبری سیاسی-انقلابی، عمل کند.

این مصوبات قرار است در نشریه جدید "سرتوادر" (زحمتکش)، ارگان کمیته مرکزی، انتشار یابد. "سرتوادر" نخست هر دو هفته یکبار و بعد با بصورت روزنامه منتشر خواهد شد.

"کمیسیون سازماندهی حزب زحمتکشان اتیوپی" مسئولیت یافته است که در راه ترویج هر چه بیشتر ادبیات مارکسیستی-لنینیستی بکوشد و با ارفای خواست های آموزشی فزاینده مردم، به ساختن سوسیالیسم در اتیوپی کمک کند.

اکنون "کمیسیون" میکوشد تا فعالیت خود را در سراسر کشور گسترش بخشد. در هفته های گذشته اتحادیه های کارگری و دهقانی با وظایف آن آشنا می یافتند. مردم در اجتماعات خود پستیایی خویش را از هدفهای "کمیسیون" اعلام داشته اند. منگستوها یله ما ریام، در نخستین کنگره "کمیسیون سازماندهی حزب زحمتکشان اتیوپی"، گفت:

"شورای حکومت نظامی موقت مدتهاست به این اعتقاد دست یافته است که تنها یک حزب انقلابی زحمتکشان میتواند رهبری انقلاب را بدست گیرد. گروههای مارکسیستی-لنینیستی موجود تشویق شده اند که فعالانه به برگزاری مجالس بحث اقدام ورزند. اما در گذشته ضد انقلاب موفق گشت که بسیاری مدتی در صفوف "اتحادیه سازماندهی مارکسیستی-لنینیستی اتیوپی" رخنه کند. از این رو بود که اعضای "اتحادیه" پیشنها کردند، رهبری انقلاب به بنیادی واحد سپرده شود و در پی آن، در تاریخ ۲۷ آذر ۱۳۵۸، تشکیل "کمیسیون سازماندهی حزب زحمتکشان اتیوپی" اعلام گشت.

در شش ماه گذشته کمیته مرکزی، کمیته اجرایی و رهبریهای ایالتی پدید آمد و به تمویب کنگره رسید. نژون یوآی، کنگره ما ده پایه نژده منشر "کمیسیون" را در باره رابطه میان سازمانهای پایه ای و رهبری دقیق کرد و وظایف کمیته مرکزی و کمیته اجرایی را مشخص ساخت.

تا تشکیل حزب مارکسیستی-لنینیستی، "کمیسیون سازماندهی حزب زحمتکشان اتیوپی" وظایف چنین حزبی را ایفا خواهد کرد.

روستای قوطمان (قرطون) در ۷ کیلومتری غرب امفیان واقع است. فئودالهای این روستا از ترس تقسیم زمینهای خود میان دهقانان بی زمین و کم زمین، اقدام به حصار کشی و پلاک بندی زمینها برای فروش کرده اند.

دهقانان ستمدیده این روستا پس از وقوف به این نقشه محیانه فئودالها، شکایتی تنظیم و به سپاه پاسداران امفیان و همچنین هیئت ۷ نفر واگذاری زمین در آن استان تسلیم داشته اند.

اجرای سریع قانون اصلاحات ارضی، سودمند بحال انقلاب و در جهت تعمیق اهداف خلقی آن است. با رسیدگی به خواست دهقانان، دست مالکین حیلہ گر را کوتاه کنید.

را متزلزل کند، صرفاً "آب به آسیاب ضد-انقلاب می ریزد."

هووطن تنها با اتحاد همه نیروهای راستین هواداران انقلاب و تجمیع همه نیروهای ضد-امپریالیستی و ضد استبدادی و خلقی می توان توطئه های امپریالیسم را عقیم گذاشت و در جهت تحقق خواسته های بحق معرومان متحدان عمل کرد.

آخرین تلاش های امپریالیسم برای حفظ نظام بهره کشی انسان از انسان سرانجام عبت و بی نتیجه است

امپریالیست های امروز چاره کار را در گشتار دیدند و نقشه مخوف کشتن برستانها را در سراسر فرانسه (کالونی نیست ها را) در جمعه ۲۲ اوت ۱۵۷۲ کشیدند. مادر شاه، شاه را با این نقشه موافق ساخت و دست به عمل زدند.

از روز جمعه تا روز سه شنبه، کشتار فجیع به دست نظامیان، اوباس، مهاجران کاتولیک آلمانی (که از کشور خود گریخته بودند) ادامه یافت. به قول مورخان: آتس چندان سوخت و سوخت تا خود خاموش شد. در این فاجعه که "واقعه سن-بارلمی" نام دارد، به قولی روی هم ۶۰ هزار نفر زن و مرد و کودک بی گناه و بی خبر از هم جدا شدند. خون خود غلطیدند. ولی نتیجه چه شد؟ هنوز دیری از این حادثه نگذشت که هانری دونواور شاه شد و او موافق "فرمان نانت" آزادی و برابری کامل دو فرقه مذهبی و سازمانهای سیاسی آنها را اعلام داشت، زیرا در غیر آن صورت، فرانسه به دو بخش سلطنتی و جمهوری تقسیم می شد و ساکنان جنوب (که طرفداران کالون بودند) حساب خود را جدا می ساختند.

دهها سال بعد، لوئی سیزدهم و ریشلیو فرمان "نانت" را لغو کردند و باز مدتی سلطنت کاتولیکی خانواده بوربن (البته با قبول مقدار زیادی تغییرات و اصلاحات) آتایی کرد. ولی باز چه شد؟ این بار بمب عظیم انقلاب کبیر فرانسه با غرس رعد آسای منفجر شد و تخت و تاج سلطنت مستبدانه بوربنها را به آسمان فرستاد. آنچه که باید در تاریخ بشود، یعنی زوال فئودالیسم سرانجام شد. به قول معروف: "دبر یا زود دارد، ولی سوخت و سوز ندارد."

اکنون چه چیز در دستور تاریخ است؟ نه فئودالیسم، که دیگر بساطش عملاً همه جا به طور عمد برجیده شده، بلکه سرمایه داری است که در سراسر زوال است. حالا ساکنان کاخ سفید با کشیدن طنابها و فرود آوردن این سراع یا آن سراع و نشان دادن مهارت ساکنان خود، شاید بتوانند این کشتی رو به غرق را چند سالی نگاه دارند. مهارت سیاسی فتح را تسریع می کند و شکست را به عقب می اندازد، ولی قادر نیست از فتح و شکست محتوم جلوگیری کند.

بدبختی سیاستمداران سرمایه داری در آنست که آنها به وجود نوعی محتومیت تاریخی باور ندارند. به عقیده آنها در تاریخ هرج و مرج است و در آن همه کاری را می توان کرد و حفظ این بسته است به زور و "تبوغ دیپلماتهای بزرگ". صریحاً در آمریکا می گویند ما دچار ضعف رهبری (لیدر شیب) شده ایم!

این فلسفه احمقانه است. البته "تبوغ سیاستمداران بزرگ" تنها می تواند در تند یا کند کردن روندها موثر باشد، ولی خود این روندها را قوانین عینی و باطنی حرکت تاریخی، که نتیجه رشد و تحول دائمی افکار و افکار است، هدایت می کند. بنا به یک منل آلمانی، "تو می نداری که تو می رانی، و حال آنکه ترا می رانند."

هیچ نقشه امپریالیستی، هر قدر هم مهیب و عجیب و ماهرانه باشد، قادر نخواهد بود سیر بی امان تاریخ زمان ما را، که به سوی فنای سیطره امپریالیستی و سیطره سرمایه سالاری می رود، به عقب برگرداند. آخرین تلاشهای دوران احتضار امپریالیسم می تواند هنوز یک دو دهه ای به طول انجامد، ولی ما اکنون در آغاز پایانیم.

امپریالیسم هنوز قادر است مانند حادثه طیس ماجراها راه بنیاندازد و یا حلقوم گروهی بیگانه را بفشرد و آنها را خفه کند و باز هم چند روزی کر و فری داشته باشد، ولی قادر نیست تاریخ و بشریت را نابود سازد. بشریت می ماند و امپریالیسم را نابود می کند. در این واقعیت (که واقعیت چندان دوری هم نیست) ذره ای تردید نکند! به قول فرانسوی ها:

"آنها بی که زنده می ماند، خواهند دید."

گرانی روز افزون هزینه زندگی بر دوش زحمتکشان سنگینی می کند. زحمتکشان را باید با تصمیمات فوری و قاطع انقلابی از زیر این بار نجات داد

این روزها کشورهای امپریالیستی جهان، و بر راس آنها آمریکا، سخت خشمگین، نگران و هراس زده اند و به شیوه محکومین تاریخ، به همه وسایل متوسل می شوند، تا کشتی در حال غرق را نجات دهند و برای این کار از هیچ کاری روگردان نیستند. طبقات ممتاز میلیاردر و مولتی میلیاردر امریکای شمالی و اروپا قبول ندارند که سرنوشت امروزی و فردایی آنها واکنش طبیعی و تاریخی مردم در مقابل عمل خود آنهاست. آنها قبول ندارند که بهره کشی سرمایه داران بزرگ از کار صدها میلیون کارگر و بزرگ و گردآوری دهها میلیارد دلار به عنوان "ثروت شخصی" از ثمره کار آفریننده مولدان محصولات مادی و نعمات معنوی، می توانست تا مدتی در تاریخ دوام آورد، تا آن مدتی که این مولدان مستقیم محصولات مادی (کارگران و برزگران) و آن مولدان مستقیم نعمات معنوی (علماء، هنرمندان، مهندسان، مربیان)، تصور می کردند که در مقابل "کار" خود "مزد عادلانه" دریافت می دارند. ولی همینکه درک کردند که "ثروت اجتماعی" چیزی جز حاصل کار آفریننده آنها نیست و این حاصل را مشتکی انگل به نام بانکدار و کارخانه دار و بازرگان به سود زندگی ماورا اترافی و سراسر آلوده خود، به جیب می زنند، آن وقت است که واکنش اجتماعی به صورت مختلف، تا حد انقلاب اجتماعی، آغاز می شود.

این آقایان، کلان بهره دستان و ابرودندان تاریخ قبول ندارند که "جهان سوم" (آسیا، آفریقا، امریکای لاتین) "گاو شیرده" آقایان نیست و اگر در قرنهای هجدهم و نوزدهم و بیستم، آقایان توانستند بیش از نیمی از بشریت را به بردگان خدمتگذار خود بدل کنند، به علت برتری موقت فنی و فرهنگی آنها بود، که مورد سوء استفاده سرمایه داری قرار گرفت و به اسارت صدها خلق منجر شد. حالا دیگر آن دوران گذشته و خفته بیدار و کودک بالغ و بی خبر آگاه شده است، و طبیعی است که به نبرد برای حق خود قیام می کند، چنانکه چه مردانه قیام کرده اند.

ولی خیر! آقایان باور ندارند که واکنش مردم جهان علیه آنها، نتیجه کنش خود آنهاست. و معتقدند که همه اینها نتیجه تحریکات "مسکو" است! غافل از اینکه آنچه در مسکو، در سال ۱۹۱۷ گذشته، یعنی قیام رنجبران در زیر پرچم سرخ لنین، خود بخشی است از این واکنش تاریخی علیه نظام بهره کشی، و بسیار عادی است که پیروزی یک خلق در این زمینه، خلق های دیگر را تشویق کند.

در شرایط کنونی زمین زیر پای امپریالیسم-لنینیسم، حفظ مواضع امپریالیسم در خاورمیانه عربی، در آفریقای جنوبی، در آسیای جنوب خاوری، در "شاخ آفریقا"، در امریکای لاتین و در همه نقاطی که امپریالیسم آن را برای خود "حیاتی" می شمرد (و معلوم نیست چرا!) بیش از پیش دشوار شده است.

امپریالیسم نتوانسته است گامیست مسست "تورم" را کند گیر کند و این گامیست دم به دم بروارتر، خشمناکتر، مهاجم تر و رموکتر می شود. قیمت ها با سرعت بالا می رود، بی کاری با سرعت در افزایش است. در پایتخت های "طلایی" لندن و واشنگتن، ایرانی، که زمانی خادم خفت کشی برای اربابان انگلوساکسون بود، با غرور تمام می رزند! ببینید چه منظره سگفتی است!

چون تحلیل امپریالیسم و به ویژه گروه بی فز کاخ سفید آنست که همه اینها "تحریک مسکو" است و به تحریک هم باید با ضد تحریک نظیر پاسخ داد، لذا از طرفی به تحریک و توطئه علیه کشورهای سوسیالیستی دست می زند و از طرف دیگر انواع نقشه های کشتار خلقها را امتحان می کند.

این سفیهان گویا نه تاریخ را خوانده اند و نه اگر خوانده اند از آن چیزی فهمیده اند. آنها نمی دانند که ضرورت های تکامل جامعه بشری راه خود را به هر قیمتی هست به پیش می کشد. و گاه حتی خود سرکوب کنندگان نهضت مردم را به مجریان و صایای خود بدل می کند.

در اینجا یک یادآوری از تاریخ جهان سودمند است. در اواسط قرن شانزدهم، کالونی نیست های جمهوری خواه در فرانسه اشرافی و فئودالی دیگر بسیار نیرومند شده بودند: صنعت، پیشه وری، بانکها در دست آنها بود. در اسرافیت درجه اول نفوذ داشتند و کسانی مانند هانری دونواور (هانری چهارم بعد) و دریا سالار کولین بی (از نزدیکان شاه) بر راس سازمان های آنها قرار گرفته بودند و کم کم خود شاه را نیز به سمت خود می کشیدند. پاپ روم، فیلیپ دوم (شاه مستبد و کاتولیک اسپانیا) و خانواده تروتمند مدیسی در فلورانس (که ملکه فرانسه، یعنی کاترین دو مدیسی مادر شاه از آنها بود) و اترافیت شمال فرانسه (خانواده گیز) سخت به هیجان آمدند و مانند

اخبار دهقانی

حصار کشی و پلاک بندی زمینهای مزروعی توسط فئودالها

روستای قوطمان (قرطون) در ۷ کیلومتری غرب امفیان واقع است. فئودالهای این روستا از ترس تقسیم زمینهای خود میان دهقانان بی زمین و کم زمین، اقدام به حصار کشی و پلاک بندی زمینها برای فروش کرده اند. دهقانان ستمدیده این روستا پس از وقوف به این نقشه محیانه فئودالها، شکایتی تنظیم و به سپاه پاسداران امفیان و همچنین هیئت ۷ نفر واگذاری زمین در آن استان تسلیم داشته اند.

اجرای سریع قانون اصلاحات ارضی، سودمند بحال انقلاب و در جهت تعمیق اهداف خلقی آن است. با رسیدگی به خواست دهقانان، دست مالکین حیلہ گر را کوتاه کنید.

را متزلزل کند، صرفاً "آب به آسیاب ضد-انقلاب می ریزد."

هووطن تنها با اتحاد همه نیروهای راستین هواداران انقلاب و تجمیع همه نیروهای ضد-امپریالیستی و ضد استبدادی و خلقی می توان توطئه های امپریالیسم را عقیم گذاشت و در جهت تحقق خواسته های بحق معرومان متحدان عمل کرد.

حزب توده ایران و سازمان جوانان زودا نشجویان دمکرات ایران در بریتانیا

کشتار گاه خرم آباد لرستان، عامل انتقال بیماری‌های واگیردار

این کشتارگاه از کمترین امکانات فنی و بهداشتی بی بهره است



کشتارگاه خرم آباد لرستان، یکی از غیربهداشتی‌ترین کشتارگاه‌های ایران است. این کشتارگاه در خیابان علی، منطقه جال میرحسین واقع شده است. با چند نفر از کارکنان کشتارگاه گفت و گوی کوتاهی داریم:

اسم شما چیست؟
کرم
درباره وضع بهداشتی کشتارگاه کمی توضیح بدهید.
«اصلاً» تعریفی ندارد. کمان نمی‌کنیم

هیچ کشتارگاهی در دنیا به کثیفی این کشتارگاه باشد. همین است که می‌بینید.

هیچ تازه‌واردی نمی‌تواند پیش از پنج دقیقه در محل این کشتارگاه تاب بیاورد.

وارد کشتارگاه می‌شویم. بوی تعفن سرگیجه‌آور است. اینجا و آنجا پوست کوسفند و گا و استخوان برهم انباشته شده است. مگس‌ها چون بارچه‌سیاهی بر زمین پهن شده‌اند. سطح محوطه کشتارگاه را با مقداری کاه پوشانده‌اند. جا بجای چاله‌هایی دیده می‌شود، که مملو از خون و کثافت است. در این کشتارگاه دو راهروی تاریک وجود دارد. در یک راهرو کشتار می‌شود، و در راهروی بعسدی لاشه‌ها آویزان می‌شوند.

در این کشتارگاه، کشتار به شکل خیلی ابتدایی انجام می‌شود. ساختمان آن صریح به پنجاه و پنج سال پیش است. یکی از کارگران کشتارگاه می‌گوید:

«همواره خطر ریزش این ساختمان وجود دارد. از می‌برسیم: آیا تا کنون از شهرداری خواسته‌اید تا به وضع بهداشتی شما و کشتارگاه رسیدگی کند؟»

می‌گوید: «چه در زمان طاغوت و چه بعد از انقلاب به مقامات مراجعه کرده‌ایم. همیشه امروز و فردا می‌کنند. شهردار چندبار از اینجا دیدن کرده، اما هیچ اقدامی نکرده است. حتی همسایه‌های دوروبر کشتارگاه نیز چندبار شکایت کرده‌اند.»

یکی از ساکنان نزدیک کشتارگاه خرم آباد می‌گوید:

«این کشتارگاه بچه‌های ما را مریض کرده. تابستانها وضع خیلی بدتر است. انواع و اقسام بیماریها، از قبیل و سایر اینجاست پیدا می‌کند.»

وی می‌گوید: «تا کنون چندبار به شهرداری شکایت کرده‌ایم، برای ما تره هم خورد نمی‌کنند. ما با این گا و وگوسفندها هیچ فرقی نداریم. سر آنها را که می‌برند، یکبار در راحت می‌شوند، ولی ما دچار مرگ تدریجی هستیم. ما را آدم حساب نمی‌کنند. انگار که در این انقلاب نقش نداشته‌ایم.»

می‌بینید؟»

در تنها کشتارگاه خرم آباد، به استثناء پنجشنبه‌ها، هفته‌ای شش روز کشتار می‌شود. گوشت تولیدی این کشتارگاه غیر بهداشتی، و وسائل کشتار ابتدایی و غیرفنی است.

مردم خرم آباد لرستان از دولت انتظار دارند که به وضع کشتارگاه شهرشان فوراً رسیدگی کنند.

است. مردم خرم آباد لرستان از دولت انتظار دارند که به وضع کشتارگاه شهرشان فوراً رسیدگی کنند.

آئینه‌سازان تبریز: دست واسطه‌ها و سرمایه‌داران را کوتاه کنید!

مسائل کارگری



اولیه را تهیه کنیم و چون وسایل تولید ما ابتدایی است و کارگاه فاقد امکانات لازم است، امکان وقوع سانحه افزایش یافته است.»

غلامرضا در همین رابطه کوشه دیگری از جنایات رژیم شاه را برملا می‌کند:

«در دوران طاغوت وزارت کار و بیمه‌های اجتماعی از بیمه کردن کارگران بعثت خطرات بی‌درپی و مداوم این رشته، سرباز زد و حالاهم هیچک از کارگران این رشته بیمه نبوده و مشمول قانون کار نیستند.»

با کارگران کارگاه به صحبت می‌نشینیم محرم ۲۱ ساله تا پنجم ابتدایی درس خوانده است. پنج سال سابقه کار دارد و به عبارت دیگر تا حدودی تخصص دارد. اومیگوید:

«روزی ۵۰ تومان مزد می‌گیرم. عصرها به ده می‌روم و صبح‌ها برمی‌گردم. پانزده تومان پول رفت و برگشت است. پول غذا و خوراکم به عهده خودم است. بنابراین پولی که می‌گیرم صرف خوراک و خرج رفت و برگشتم بده می‌شود و حالا بعد از سال‌ها کار هیچ‌گونه پس‌اندازی ندارم. ما از دولت می‌خواهیم که وامی در اختیار کارگران تخصص دیده این رشته بگذارد تا آنان بتوانند خود مستقل کار کنند.»

علی نصیریور ۲۱ ساله چنین گفت: «به علت نداشتن امکانات مالی توانستم بیشتر از کلاس پنجم ابتدایی به درسم ادامه دهم. قبلاً قالی باف بودم چون چشم‌هایم ضعیف شده بود و دکتر گفته بود اگر به این کار ادامه دهم چشم‌هایم کور می‌شوند، ناچار شدم از قالی بافی دست بکشم. و با عمه است که اینجا کار می‌کنم. روزی ۴۰ تومان مزد می‌گیرم. حالا بعد از انقلاب از دولت انتظار داریم یک کار درست و حسابی در اختیارمان بگذارد تا آینده‌ای داشته باشیم. ما اگر دچار بیماری یا سانحه‌ای بشویم، چون بیمه هم نیستیم، تمام مخارج آن به عهده خودمان است.»

نارگر دیگر کارگاه می‌گوید: «۳ ماه است اینجا کار می‌کنم. قبلاً جوش کار بودم. وقتی دچار سانحه شدم، کارفرما اخراجم کرد. دانش‌آموز کلاس اول راهنمایی هستم و شبها درس می‌خوانم و روزها کار می‌کنم. روزی ۲۵ تومان مزد می‌گیرم. هفته‌ای ۱۰ تومان به پدرم می‌دهم و بقیه را برای خرج خودم برمی‌دارم. خانواده ما هشت نفرند. پدرم بیکار است. و برادرم قالی بافی می‌کند. درآمد همه ما به هیچ وجه برای خرج زندگیمان کافی نیست. ما از دولت انتظار داریم که به وضع ما رسیدگی کند و کار تضمین شده‌ای در اختیارمان بگذارد تا از این بدبختی راحت شویم.»

صحبت به انقلاب و مشکلات ناشی از انقلاب رسید. علی در مورد ضد انقلاب چنین گفت:

«سرمایه‌داران و گرانفروشان و مجتکران ضد انقلاب هستند و با گرانفروشی و احتکار می‌خواهند ناراحتی بوجود آورند. امریکادشمن اصلی مادر کشورمان کارخانه می‌گذاشت، ولی نفعی برای ما نداشت. فقط برای امریکا نفع داشت و حالا هم نمی‌خواهد مسا چیزی داشته باشیم.»

غلامرضا، مسئول کارگاه، اضافه می‌کند:

«برای رهایی از این وضع خراب دولت باید کارخانه‌ها را در اختیار بگیرد و بازرگانی خارجی را ملی کند و واردات و صادرات را در اختیار خود بگیرد.»

در مورد مسئله تهاجم نظامی امریکا، همگی جواب دادند:

«ما که در این انقلاب شرکت داشته‌ایم، نمی‌گذاریم امریکا دوباره برگردد و با تمام تیر و پیمان در مقابل امریکا خواهیم ایستاد.»

ما از نظر تأمین به دست نداشتیم. در جواب این سؤال که آیا دولت می‌تواند در این زمینه کمک کند، می‌گویند: «ما هیچ پولی نداریم. دولت باید در این زمینه کمک کند.»

ما از نظر تأمین به دست نداشتیم. در جواب این سؤال که آیا دولت می‌تواند در این زمینه کمک کند، می‌گویند: «ما هیچ پولی نداریم. دولت باید در این زمینه کمک کند.»

ما از نظر تأمین به دست نداشتیم. در جواب این سؤال که آیا دولت می‌تواند در این زمینه کمک کند، می‌گویند: «ما هیچ پولی نداریم. دولت باید در این زمینه کمک کند.»

۲ سال است که از ده به تبریز آمده‌ام و بی‌سودم. ده ما مدرسه نداشت تا من بتوانم درس یاد بگیرم. از دولت می‌خواهیم ما را از یاد نبرد.»

در جواب این سؤال که، انقلاب ایران را چگونه می‌بینید، آقای قسمی گفت:

«اگر اسلام واقعی، اسلام امام خمینی پیاده شود و به مستضعفین رسیدگی شود، ما بسیار راضی خواهیم بود.»

پرسیدیم اگر آمریکا حمله نظامی بکند، شما چه خواهید کرد؟

همگی گفتند که: «ما همه تنگ بدست می‌گیریم و تا آخرین قطره خون در مقابل آنان خواهیم ایستاد.»

به کارگاه آئینه‌سازی زمانی، که بزرگترین کارگاه آئینه‌سازی تبریز است سری می‌زنیم.

کارگاه در خیابان تربیت در زیر زمین یک ساختمان قدیمی واقع شده است. این کارگاه نیز از لحاظ امکانات بهداشتی و حفاظتی در وضع بسیار وخیمی قرار دارد. تعداد کارگران این کارگاه از ۳ تا ۵ نفر در نوسان است.

از مسئول کارگاه، غلامرضا زمانی در مورد وضع عمومی و مشکلات کارگاه سؤال می‌کنم. غلامرضا از کمبود و گرانی مواد اولیه می‌گوید:

«شیشه از مهمترین مواد اولیه است. بدلیل اینکه جنس شیشه‌های ایرانی نامرغوب و موجود هستند، ما نمی‌توانیم از آنها استفاده کنیم، بناچار از شیشه‌های خارجی (راهن) استفاده می‌کنیم. تا قبل از انقلاب ما از واسطه و سرمایه‌دار معروف «باستی» بصورت اعتباری جنس می‌خریدیم. پس از انقلاب

از مسئول کارگاه، غلامرضا زمانی در مورد وضع عمومی و مشکلات کارگاه سؤال می‌کنم. غلامرضا از کمبود و گرانی مواد اولیه می‌گوید:

«شیشه از مهمترین مواد اولیه است. بدلیل اینکه جنس شیشه‌های ایرانی نامرغوب و موجود هستند، ما نمی‌توانیم از آنها استفاده کنیم، بناچار از شیشه‌های خارجی (راهن) استفاده می‌کنیم. تا قبل از انقلاب ما از واسطه و سرمایه‌دار معروف «باستی» بصورت اعتباری جنس می‌خریدیم. پس از انقلاب

از مسئول کارگاه، غلامرضا زمانی در مورد وضع عمومی و مشکلات کارگاه سؤال می‌کنم. غلامرضا از کمبود و گرانی مواد اولیه می‌گوید:

صنعت آئینه‌سازی در کشور ما امروز به وضع بسیار اسفناکی دچار شده است. اغلب کسانی که در این رشته فعالیت می‌کنند، اینک یا در سرف ورشکست شدن هستند و یا به کارهای دیگری پرداخته‌اند.

تولید آئینه در حال حاضر در کارگاههای کوچک در کوته و شار شهرهای بزرگ ادامه دارد. وسایل تولیدی که این کارگاهها به کار می‌گیرند تا حدود زیادی ابتدایی است. محیط کارهم ناملاً غیر بهداشتی و فاقد امکانات حفاظتی و امنیتی است.

کارگران که در این کارگاهها مشغول کار هستند، بیشتر از ۵ یا ۶ نفر نیستند و ساعت کار آنان میزان محدود مشخصی ندارد و گاه متجاوز از ۱۱ تا ۱۲ ساعت است. این کارگاهها مشمول قانون کار و بیمه‌های اجتماعی نشده‌اند. در شهر تبریز ۳ کارگاه آئینه‌سازی وجود دارد. به دو کارگاه عمده این شهر سری می‌زنیم و مشکلات آنان را جویا می‌شویم. کارگاه لوسا بهادر زیر زمین خانه صاحب کارگاه در زمینی به مساحت ۳۰ متر مربع بنا شده است. کارگاه فاقد هرگونه امکانات بهداشتی است و از نظر روشنایی نیز کاملاً غیر استاندارد است. با استادکار کارگاه به صحبت می‌نشینیم:

۱۶ سال در تهران کار کرده‌ام. ۱۰ سال برای خودم کار کردم و بعد از این کارگاه را دایر کردم، در این کارگاه غیر از خودم، دو کارگر دیگر کار می‌کنند.

برای آئینه‌سازی، ما از شیشه‌های خارجی استفاده می‌کردیم. بعد از انقلاب از ورود شیشه خارجی جلوگیری بعمل آمد و چون کیفیت ساخت شیشه‌های ایرانی پایین است، یعنی شیشه‌های ایرانی موج دار هستند، ما نمی‌توانیم از این شیشه‌ها استفاده کنیم. بناچار از تولید آئینه بازمانده‌ایم و باز ما فقط محدود به بریدن آئینه‌های آماده و نصب تزئینات روی آنها شده است. و گذشته از اینها، کمبود مواد اولیه تولید آئینه، از جمله نترات دارژان، که پیش از انقلاب کیلویی ۷۰۰ تومان بود و بعد از انقلاب کیلویی ۴۵۰۰ تومان (آئیم) اگر پیدا شود و همچنین سود، سنگ‌الماس، مته شیشه، عملاً کار ما را متوقف کرده است.»

وی در مقابل این سؤال که، چه انتظاری از دولت انقلاب دارید، جواب داد:

«ما از دولت می‌خواهیم که وام یا سرمایه‌های در اختیارمان بگذارد و بر کار واردکنندگان مواد اولیه آئینه‌سازی نظارت داشته باشد، و جلوی احتکار و گرانفروشی سرمایه‌داران را بگیرد و دست واسطه‌ها و دلالان را کوتاه کند و کارخانه‌های شیشه‌سازی را تحت نظارت بگیرد، تا ما بتوانیم در این رشته به کار تولیدی ادامه دهیم. دولت باید یک فکر اساسی برای ما بکند. ما قبلاً شیشه‌های رنگی ایرانی را، که از کیفیت خوبی هم برخوردار بودند، ورقی ۷۰ تومان می‌خریدیم، ولی امروز از این نوع شیشه‌ها دیگر تولید نمی‌شود و ما ناچار این نوع شیشه‌ها را، اگر پیدا کنیم، ورقی ۲۳۰ تومان می‌خریم. و یا مثلاً برای تهیه آب مقطر که از مواد اولیه برای جبهه‌زنی است، ناچاریم با استفاده از وسایل ابتدایی، با دیگ آب و سوخت گاز آب مقطر تهیه کنیم و برای ۲ لیتر آب مقطر یک کیسول گاز مصرف کنیم آن هم با آن همه دردسر.»

با یکی از کارگران صحبت می‌کنیم: «من اینجا با برادرم کار می‌کنم. روزی ۸ ساعت کار می‌کنم و ۵۵ تومان مزد می‌گیرم. بیمه هم نیستیم با مادر پیرم و زنم در کوی مجاهدین زندگی می‌کنم. خانه‌ای که در آن زندگی می‌کنیم، آب و برق و امکانات رفاهی ندارد. دولت باید یک فکری بحال ما بکند.»

کارگر مته کار کارگاه گفت:

کارگر مته کار کارگاه گفت:

کارگر مته کار کارگاه گفت:

کارگر مته کار کارگاه گفت:

کارگر مته کار کارگاه گفت:

کارگر مته کار کارگاه گفت:

کارگر مته کار کارگاه گفت:

تندیس های درد

طرح توطئه کار تو ۰۰۰

بفیه از صفحه ۲

افغانستان نیز بوسیله عوامل امریالیسم با تمام وسایل دامن زده می شود. امروز دیگر بر هیچ کس پوشیده نیست که در افغانستان مبارزه بر سر "اسلام" انجام نمی گیرد، بلکه "اسلام" برده استتاری برای گروه های ضدانقلابی است، که بدست امریالیست های امریکایی و انگلیسی، عربستان سعودی، چین، پاکستان و مصر مسلح نگاه داشته می شوند، تا در جوار ایران یک کانون تشنج دایمی به وجود آورند و از آن برای ایجاد "جو سوئکن" و عدم اعتماد "بین ایران و افغانستان بهره برداری کنند.

اگر امریالیست ها تاکنون موفق نشده اند بین ایران و اتحاد شوروی "جو سوئکن" و عدم اعتماد را به سطح دلخواه خود ارتقا دهند، دلیل بر آن نیست که عواملشان تمام تلاش خود را بکار نبستند. طی یکسال و نیمی که از انقلاب می گذرد، عده ای آگاهانه و عده ای ناآگاهانه در این راه کوشیده اند. اما سیاست اصولی و انقلابی اتحاد شوروی جایی برای بهره برداری امریالیسم از این "جو سوئکن" و عدم اعتماد "باقی نگذاشته است.

امریالیست های امریکایی از تلاش برای تناس با سازمانها و گروه های "افراطی"، که قادرند مقاومت های مسلحانه علیه رژیم خمینی را تحریک کنند "نیر لحظه ای فروگذار نکرده اند. خوشبختانه این تلاش سبب دل خواه را برای امریالیسم امریکا به بار نیاورد و امروز ما جز گروه خود فروخته "گومله" و دار و دسته مزدور فاسق و گروهکهای حشد نفی مائوئیستی، سازمان و گروهی را در خط مقاومت مسلحانه علیه نظام جمهوری اسلامی ایران نمی بینیم.

باید گفت که طرح کارتر-برزیسکی در رویای رویی با انقلاب و جمهوری اسلامی ایران، در دو نکته اساسی آن، یعنی در "ایجاد جو سوئکن و عدم اعتماد" بین ایران و اتحاد شوروی و برانگیختن نیروهای داخلی افراطی بر ضد انقلاب ایران حندان توفیقی نیافته است.

حزب ما افتخار می کند که در عقیم گذاردن این قسمت از برنامه کارتر-برزیسکی نقش انقلابی و میهن پرستانه خود را ایفا کرده و در توضیح مسایل سیاسی بین المللی و تجزیه و تحلیل وظایف انقلاب، با تمام توان خود کوشیده است.

متأسفانه کسانی بوده اند و هستند که در راه ما، و در واقع در راه انقلاب ایران، چه از طریق تیمت و افترا و چه به وسیله حماق، به سود امریالیسم آمریکا موانع بسیاری ایجاد کرده اند. تردیدی نداریم که سرخ بسیاری از آنان به مجریان برنامه کارتر-برزیسکی وصل می شود. اینان هستند که حزب ما را بزرگترین دشمن خود محسوب می دارند.

ناگامی سببی امریالیست های امریکایی در اجرای برنامه کارتر-برزیسکی به هیچ وجه آنان را از برافکندن نظام جمهوری اسلامی منحرف نکرده است. برخی از عناصر این برنامه را بس و بسش کرده اند، اما اصل آن برجاست. تمام قرائن گواهی می دهد که امریالیست های امریکایی با از دست دادن برخی از متحدان لیبرال و عوامل سرب سرده خودشان در ارتس و سایر نهادهای دولتی شکل های مبارزه دیگری را، علاوه بر آنچه برزیسکی در نامه خود ذکر کرده است، برگزیده اند. شیوه های آنان در برخورد با انقلاب ایران خشن تر و سببانه تر شده است. توطئه اخیر در ارس، که رهبری آن در خارج به دست کمیته "ویژه" "سیا" بود و در صورت موفقیت به بهای صدها هزار کشته و زخمی تمام می شد، نشانه ای از این شیوه برخورد با انقلاب ایران است.

هر قدر بایگاه اجتماعی امریالیسم در ایران - سرمایه داری وابسته و زمین داری بزرگ - ضعیف تر می شود، امریالیست های امریکایی به شیوه های خشن تری برای برانداختن نظام جمهوری اسلامی متوسل می شوند و عمال خود در منطقه را نیز به اتخاذ سیاست خصمانه تر نسبت به ایران تحریک می کنند. اشکالی را که امریالیست های امریکایی برای رویارویی با انقلاب ایران انتخاب خواهند کرد، نمی توان از بیس تعیین کرد. آنچه مسلم است، امریالیسم آمریکا تمام شیوه ها را، از محاصره اقتصادی گرفته تا مداخله مسلحانه برای بازگرداندن ایران به دایره نفوذ خود بکار خواهد بست.

خلق ایران آزمایش های سختی در بیس دارد و باید با سهامت و متانت انقلابی با آن روبرو شود.

تنها با اتحاد تمام نیروهای انقلابی است که می توان از این آزمایش تاریخ سربلند بیرون آمد.

نفاق افکنان کار امریالیسم امریکارا تسهیل میکنند.

آمریکای جنگیم و نگذاریم خوان نیسن و دست نشاندگان آمریکا و ساها خان برکشور ما حاکم شوند.



عاشق سیرمسیس را ساعیا حرکت، در حال اسراحت هستند.



این حاضر، مدرسه کودکان عشقیراست.



آنها هر جا را مناسب برای زندگی ببینند، همانجا اطراق می کنند. نه در ما تگاه می، نه بهیاداشتی، برای آنها هیچ چیز نیست.

می بینید دیشب ساعت ۱ نیمه شب حرکت کرده ایم. الان ساعت چند است؟

میگوئیم ساعت ۲ بعد از ظهر. میگوید: "تا الان بدون صبحانه در راه بوده ایم.

ما سواد نداریم. اگر کارمان به شهر افتاد، محلمان نمی گذارند. اهمیت به ما نمی دهند.

مثل اینکه توی ادارات همان طاقوتیها نشسته اند. با بدعنا صراوا بسته به امریالیسم

را از کار برکنار کنیم. گرانیدر شهر بیداد می کنند. آمریکا میخواهد اینطور شود.

میگوئیم: آیا میدانی که آمریکا به ایران تاجا و زنا می کرد، توطئه کرد و با هم خیالهای درس در آورد؟

میگوید: "با ایده ما هم متحد باشیم و جلوتجا وزات آمریکا را بگیریم. ما عشقیر

بسیم خود حاضریم تا آخرین نفسمان بسا

قبول کردیم. الحمد للهدباران هم خوب بود. ولی ما دیم می کاریم. روی زمینهای

پرازنکلاخ، محصول که زیاده عمل نمی آید.

اگر از ما کسی مریض شد، یا با بدبمیرد، یا تا چند روز بدکتر نمی رسد، تازه اگر پول

داشته باشیم به شهر ببریم."

میگوید: "خوانین نمی توانند زمینها را پس بگیرند. دولت باید قاطعانه از ما

حمایت کند، نگذارد دوباره نوکران آمریکا بر کرده ما سوار شوند."

به یکی زطایفه ها، که در حال کوچ است برمی خوریم. اهالی می گویند: "ما زطایفه کسکولی،

تیره گشته استیم. در همین نزدیکی چادر خواهیم زد."

بدانها در زندان در کم می کنیم. بسا یکی از آنها صحبت می کنیم. اسمش مصطفی است. میگوید: "ما از همه مردم دنیا بدبخت تریم.

هزاران خانوادۀ عشقیر شقایبی، زمستان و اوایل بهار را در منطقه کارون می گذرانند و بعد از آن به علت کمبود آب و علف مجبور به ترک منطقه و کوچ به سرحد می شوند. عده زیادی از آنها به علت نداشتن کوسقندوز زمین در شهرهای اطراف به کارگری می پردازند. ازدوگنبدان و پرازان تا نزدیکی های شیراز، که شامل مناطقی کارون و ممسنی است، خط سیر عشقیر شقایبی است. این عده از هموطنان زحمتکش ما در تمام طول سال در ندری سهمگین با طبیعت و مشکلات ناشی از زندگی عسیره ای قرار دارند. سیل و طوفان، برف و باران، گرما و سرما، جهره ای از زحمت و دردن آنها ساخته است، که انسان را به بیدار زندگی انسانهای اولیه می اندازد.

زندگی در خاک دروینا هکوهها و دره ها، نداشتن بیداشت و درمان و مدرسه و غیره از یک طرف، و روابط ظالمانه خانها و ورشیس قبیله از طرف دیگر، تصویر زندگی بی رمق و خالی از عدالت آنها را می سازند.

در سالهای طاغوت، خوانین، که از حمایت قانونی رژیم شاه سابق برخوردار بودند، در سنا ه شلاق و شکنجه آنها را بیگاری و امیداشتند. دسترنج زن و بچه ها بشان صورت هدا یا و وظایف بندگی به خان داده می شد. کندمهای خان، که حاصل رنج عشقیر بود، و کوسقندان خان، که نتیجه مراقبت و زحمت عشقیر بود، در شهر بفروش می رسید و این درآمدهای خان صرف عیاشی و خوشگذرانی خود و و ما حب منصبان دولتی می شد. عشقیر موظف بودند که با زحمت نسبتاً نوزی خود، با بیگاری خود و زن و بچه ها بشان، راحتی زن و بچه های خان را فراهم کنند.

بین چنار سنا هیان و تنگ بل (بلیجات) محلی است بنام ملانبار، که جهل خانسوار هستند. با معلم آنها صحبت می کنیم. او از طایفه دره سوری است. میگوید:

من بخاطر خدمت به برداران و خواهران عسیرم حاضر شده ام با این وضع دردناک

بنازم و درجا در به آنها درس بدهم و حیاط مدرسه دست و پیا با ن باشد. اینجا آبتداریم.

البته با کمک اهالی چاهی زده ایم. مثل اینکه در دبه آب میرسد. مدرسه نداریم.

هما نظور که می بینید، درجا در هستیم. اگر باران سد، با بد مدرسه را تعطیل کنیم. ما

فکر می کردیم اگر کوچ نکنیم، دیگر منکلی نداریم. دیدیم نه، همه آن مشکلات دوباره

وجود دارند.

اینجا بهداشت نداریم، دامیزک نداریم رسیدگی نمی شود. با چند تا بزرگ نمی شود

زندگی کرد. هر سال تعدادی از آنها می میرند. اینجا ۴۰ خانوار زندگی می کنند. لااقل نباید

یک مدرسه دوسه تا فباشد؟ نباید دولت

اینهمه زمینهای وسیع را به زیر کشت در آورد، تا ما تولید کنیم؟ قطع وابستگی کامل

از امریالیسم آمریکا همه دردها را درست می کند. اگر ما بتوانیم تولید کنیم، قادر خواهیم بود دنیا زهای غذایی مردم را بخورمان

را تا مین کنیم. دولت باید بدبدر در زحمتکش عشقیر رسیدگی کند."

یکی دیگر از عشقیر می گوید: "خان ما را بدبخت کرد. ستمهایی بر ما روا داشت، که قابل گفتن نیست. موقع

برداشت محصول می آمد می گفت: میرزا علی سهمیه را زود به ما شربده. در جریان انقلاب

متوجه شدیم که خوانین نوکر آمریکا هستند، نوکر سناها شن هستند. بر علیه انقلاب تبلیغ

می کردند و می گفتند اطلاحت ارضی نمی شود و همه دارایی شما را بخورند و خواهند گرفت.

همین حرفها را عراق نامرد هم می زند."

میگوئیم: امسال محصول چطور بود؟ جواب می دهد:

"اما ما راست می گوید که همه بدبختیهای ما از آمریکا است. آمریکا برای ما کشاروری

نگذاشت. جوانان ما همه به شهرها رفتند کارگری. حالا ما از ما خواسته که تولید کنیم، کشاروری کنیم. ما هم با جان و دل

اعلامیه سازمان حزب توده ایران در بریتانیا به مناسبت توقیف ۷۲ نفر از دانشجویان ایرانی مقیم لندن

بدنیال ضرب و شتم و شکنجه زندانی کردن عده‌ای از دانشجویان ایرانی توسط پلیس فاشیستی آمریکا، اینک تعداد ۷۲ نفر از دانشجویان مبارزی که در جلوی سفارت آمریکا در لندن برای رهائی برادران و خواهران مبارز خود در آمریکا دست به تظاهرات مسالمت‌آمیز زده بودند، توسط پلیس انگلیس دستگیر و زندانی شده‌اند. درست به مثابه تظاهرات مقابل کاخ سفید در آمریکا، طبق برنامه‌ای از قبل چیده شده، در لندن نیز پلیس توسط پروتکتورهای ایرانی وابسته به ساواک متحله و طرفداران رژیم سابق موفق شد، که عده‌ای از هموطنان مبارز ما را به بهانه «راه‌بندی» و «مقابله با پلیس» دستگیر و آنها را پادگاه معرفی نماید.

درست به مثابه تظاهرات مقابل کاخ سفید پلیس، کسی از طرفداران رژیم سابق راه که به کمک خود افراد پلیس اقدام به چینه‌انه‌ترین نوع تهاجم به هموطنان انقلابی ما مینمودند، دستگیر نکرد.

از این حرکت و عمل پلیس چه در آمریکا چه در انگلستان فقط یک نتیجه‌گیری میتوان نمود، و آن اینکه: مسئله آزار و اذیت، تهدید به اخراج، دستگیری و شکنجه دانشجویان پشتیبان انقلاب جزئی از برنامه توطئه شده است که هدف آن انهدام انقلاب ایران است.

و حال که ماسک‌های ریایکی پس از دیگری از چهره زشت دشمن دریده می‌شوند، ما ضمن اعلام پشتیبانی کامل خود از هموطنان انقلابی در آمریکا و انگلستان، بار دیگر هشدار می‌دهیم که دشمن اصلی انقلاب بزرگ ایران امپریالیسم جهانی، به سرکردگی امپریالیسم آمریکا است و هر فرد و گروهی به هر بهانه یا عنوانی بخواد این عمل غیرانسانی امپریالیسم را در کائناتی انحرافی سوق دهد، عملاً بدشمن اصلی انقلاب بزرگ ایران کمک نموده است.

زنده باد انقلاب ضد امپریالیستی، دمکراتیک و خلقی ایران به رهبری امام خمینی درود به دانشجویان مبارز ایرانی!

در جهان سوسیالیسم

در سال ۱۳۵۷، در جمهوری دمکراتیک آلمان از هر صد نفر فارغ التحصیل دانشگاه ۳۴ نفر، زن بودند. این رقم برای مدارس شخصی ۵۵ و برای کارگران متخصص ۴۷ بود. در این کشور سه زحمتکشان، که به آموزش مشغول بودند، از ۱۲۳۱۰۰۰ در سال ۱۳۵۱ به ۱۵۳۹۰۰۰ در سال ۱۳۵۷ رسیدند.

جدول زیر افزایش سطح آموزش زحمتکشان آلمان در مدارس را در سال‌های گذشته نشان میدهد:

شماره دارندگان تحصیلات عالی در سال ۱۳۵۷ و درصد آن نسبت به هر هزار دانش آموز در سال ۱۳۵۱

سال	دانشگاه	مدرسه تخصصی
۱۳۴۰	۲۱/۸	۳۹/۰
۱۳۴۹	۳۹/۲	۶۸/۲
۱۳۵۴	۵۵/۲	۸۶/۰
۱۳۵۷	۶۲/۲	۱۱۵/۲

دروغ پراکنی رسانه‌های گروهی امپریالیستی برای انحراف افکار عمومی از خطر اصلی و واقعی توطئه امپریالیسم آمریکا علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران

خبرگزاری اتحاد شوروی (تاس)، خیر روزنامه "فاینشال تایمز"، ارگان بورژوازی انحصاری بریتانیا درباره "احتمال حمله شوروی به ایران" را خبر ساختگی نامید و آنرا تکذیب کرد. در اطلاعیه تاس آمده است که این خبر بدستور مراکز جنگ روانی ایالات متحده آمریکا و بریتانیا پخش شده است و هدف آن اختلال در مناسبات میان ایران و اتحاد شوروی و منحرف کردن افکار عمومی جهان از خطر واقعی است که آن کشور را تهدید می‌کند.

این نخستین بار نیست که "فاینشال تایمز" و دیگر مطبوعات و خبرگزاریهای کشورهای امپریالیستی به بخش و انتشار اخبار روگزارشهای ساختگی تحریک آمیز و مفسده‌جویانه می‌پردازند، که هدف آنها ایجا دیدگمانی و اعتماد در روابط اتحاد شوروی و جمهوری اسلامی ایران و انحراف توجه افکار عمومی از خطر واقعی، یعنی توطئه‌های پی در پی امپریالیسم آمریکا و متفقین آن علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران است.

انتشار اینگونه اخبار سحرآمیز آمیز از جانب منابع خبری کشورهای امپریالیستی بخشی از اجرای رهنمودها و توطئه‌های کاخ سفید و اداره جاسوسی آمریکا "سیا" است، که در نامه معروف بررینسکی منعکس است و هدف آن تلاش برای تضعیف و قطع پشتیبانی اتحاد شوروی از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران است تا تحقق توطئه‌های سیاسی و نظامی امپریالیسم آمریکا علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران سهل تر شود.

انتشار اینگونه اخبار ساختگی و تحریک آمیز، بخشی از طرح‌های توطئه جدید امپریالیسم آمریکا و نقشه‌های تحا و زنا می‌تواند آن علیه ایران را تسکین می‌دهد. تا بدینوسیله از وحدت و سیب نیروهای انقلاب در برابر این توطئه و در جهت مقابله با خطر واقعی چنین توطئه‌های، که از جانب امپریالیسم آمریکا و متفقین آن تدارک دیده می‌شود، جلوگیری بعمل آید و در عین حال به روحیات ضد شوروی در ایران دامن زده شود و از سیرا و واقعیت‌ستیزی اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی و نیروهای ترقیخواه در عرصه بین‌المللی از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران مورد شک و تردید قرار داده شود.

بلندگویان محافل امپریالیستی درست در لحظاتی به اختراع و سخن‌چینی اخبار دروغی می‌پردازند، که در نتیجه تها و زنا می‌تواند فرجام آمریکا و کشف توطئه بزرگ کودتای آن علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران، صیوف مبارزه نیروها و گروهها و سازمانهای انقلابی ایران، با آنها مگر رفتن از سخنان قاطع

و رهنمودهای مدبرانه امام خمینی، رهبر انقلاب ایران، برای رویارویی با خطر توطئه‌های دشمن سواره یک انقلاب ایران امپریالیسم جهان خوار آمریکا، به هم پیوسته و متحدتر می‌گردد و تمام نیروها و امکانات انقلاب و جمهوری اسلامی ایران علیه این سیطان بزرگ مسیحو آساده می‌گردد.

از زمانیکه در روابط امپریالیسم و جمهوری اسلامی ایران بعطت توطئه‌ها و فشارهای سیاسی و اقتصادی و تهدیدهای امپریالیسم آمریکا بمذاخله نظامی علیه ایران بحران بدیده آمده و در نتیجه مبارزه برضدا امپریالیسم آمریکا شدت یافته و موجب وحدت و یکپارچگی نیروهای مومن به انقلاب در این مبارزه و شناخت اولویت این مبارزه در تمام زمینه‌های سیاسی و اقتصادی و نظامی گردیده است از جانب منابع غربی. امپریالیستی بمنظور تضعیف و ایجاد تفرقه بین‌المللی میان جمهوری اسلامی ایران با اتحاد شوروی به انتشار اینگونه اخبار دروغ و مفسده‌جویانه پرداخته می‌شود.

در آستانه تها و زنا می‌تواند فرجام آمریکا در عملیات تبلیسی همین خبر گزار- بیهای امپریالیستی از تمرکز چندلنگر زری اتحاد شوروی در مرز افغانستان و ایران و آموزشهای نظامی و مانورهای واحدهای ارتش شوروی در خاک آذربایجان شوروی، در تها و زنا مجاور مرز ایران اخباری منتشر ساختند و "بیشگوئی" کردند که هدف از تها و زنا این نیروها و مانورهای نظامی، "حمله به خاک ایران و تصرف منابع نفت درواخی جنوب و سواحل خلیج فارس است"

مقاومت در آستانه تها و زنا مقامات رسمی ایران و بویژه مسئولان وزارت امور خارجه بدون تحقیق در برابر این خبر ساختگی، به دام تبلیغات تحریک آمیز افتادند و واکنشی ستا بزرگ از خود نشان دادند.

اکنون نیز امپریالیسم آمریکا توطئه جدید بزرگی را علیه انقلاب هدف براندازی جمهوری اسلامی ایران تدارک می‌بیند و در اجرای طرح این توطئه همه متفقین غربی و رژیم‌های دست‌نشانده آن در منطقه هر یک نفس خود را در آن اجرا می‌کنند، "فاینشال تایمز" و دیگر بلندگوهای امپریالیستی نیز با انتشار اینگونه اخبار ساختگی و تحریک آمیز به وظیفه خود برای انحراف افکار عمومی از این توطئه عمل می‌کنند. همه اینها نشان می‌دهد که تها و زنا در برابر توطئه‌های دشمن اصلی و واقعی امپریالیسم آمریکا با یکدیگر هوشیار بود و تها و زنا تبلیغاتی آنرا شناخت و افشا کرد.

جمعیت ایرانی هواداران صلح در مراسم روز قدس شرکت کرد

جمعیت ایرانی هواداران صلح مانند همه سازمانها، گروهها، احزاب و نیروهای انقلابی و اسلامی در مراسم روز قدس شرکت کرد. در اعلامیه‌ای که بدین مناسبت به تاریخ ۵۹/۵/۱۴ از طرف جمعیت ایرانی هواداران صلح انتشار یافت، از جمله گفته شده بود:

"در روزهای گذشته، در رابطه با فلسطین و مبارزه قهرمانانه خلق آن، دو حادثه روی نمود که پیاپی مدهای مهمی را با یاد آن انتظار داشت.

نخست، قطعنامه‌ای که در اجلاس ویژه مجمع عمومی سازمان ملل متحد تصویب رسید و در آن حق مردم فلسطین به بازگشت به سرزمین غصب شده جدا دی خود و حق شان به استقلال و حاکمیت ملی و تأسیس یک دولت مستقل تأیید و تصریح شد که "سازمان ملل" بخش فلسطین "بعنوان شما بینه" قانونی مردم فلسطین با دیدن اسامی برای برتری مردم کوششها و مبارزات و کنفرانس‌های مربوط به مسئله فلسطین و وضع خارمیا نه شرکت داده شوند.

همچنین در این قطعنامه، از سوی اکثریت نزدیک به اتفاق اعضای سازمان ملل متحد، به اسرائیل اخطار شد که حداکثر تا ۱۵ نوامبر امسال، یعنی تا ۲۴ آبان ۱۳۵۹، تخلیه تمام سرزمین‌های اشغالی عرب را آغاز کند.

دوم، تصمیم غیرقانونی دولت و پارلمان اسرائیل مبنی بر الحاق بخش شرقی بیت المقدس و تعیین این شهر به عنوان پایتخت اسرائیل. این دو حادثه، هر یک از سویی، سازش غدارانه، کمب دیوید را باطل می‌سازد، تا جایی که سادات خائن مجبور شده است مذاکرات با صلاح خود مختاری فلسطین را با بگین به تعویق بیندازد.

اکنون در فضای مساعدی که در سراسر جهان - با استثنای معدود کشورهای بی‌که در وابستگی مستقیم به امپریالیسم آمریکا و صهیونیسم هستند - نسبت به مبارزه خلق قهرمان فلسطین بوجود آمده است، و در موج همدردی جهانی با زندانیان فلسطینی که در شکنجه‌گاه‌های اسرائیل دست بسته اعتصاب غذا زده تا کنون دوشیداده اند، گروهی از ما دران زندانیان نیز با انسان در اعتصاب غذا شرکت جستند، برگزاری روز قدس در ایران و در کشورهای اسلامی از معنا و تها شیر عظیمی بردار است و می‌تواند زمینه بسیار مساعدی برای اتحاد همه نیروهای هواداران عدالت و آزادی و استقلال ملی فراهم آورد و تها و زنا را نهای برای رهایی سرزمین فلسطین، برانداختن سلطه امپریالیسم در منطقه، از بین بردن خطر مذاخله و جنگ از سوی این دوشیرویی شیطان و استقرار صلح در خاور - میانه و جهان کمک نماید.

آب و خاک است، که در راه آزادی، استقلال، ترقی و رفاه خویش ده‌ها هزار شهید به خون خفتند

تجربه تلخ و گران قدر انقلاب شکوهمند ایران که به بهای خون بیش از ۷۰ هزار شهید و ۱۰۰ هزار مجروح تمام شده است، به توده‌های مردم مستضعف به وضوح نشان داده است که امپریالیسم، به سرکردگی امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی انقلاب و جمهوری اسلامی ایران است و در این خصوص و دشمنی بین دول امپریالیستی اروپای غربی و ژاپن و آمریکا تفاوتی وجود ندارد. توهم اختلاف بین دول امپریالیستی اروپای غربی، ژاپن و آمریکا در مخالفت با انقلاب و جمهوری اسلامی ایران فقط می‌تواند انقلاب ایران را به کوره راه بکشد.

با اتکا به پیام تاریخی امام خمینی، مسئله کردستان را از راه مسالمت آمیز، با تأمین حقوق ملی خلق کرد، بسود انقلاب ایران حل کنیم

امپریالیسم اروپای غربی و ژاپن متحد و همکار امپریالیسم آمریکا علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران

عناصر ضدانقلاب، از سیاست‌بانان و رسکسته گرفته تا پیمانده‌های فراری ساواک و ارتش آریامهری را به اصطلاح در "جبهه" مقاومت ملی " دور هم جمع کند.

بدین ترتیب هم‌دستی همه دولت‌های امپریالیستی، از جمله دولت‌های امپریالیستی اروپای غربی و ژاپن علیه مردم ایران و انقلاب شکوهمند آنان روز به روز آشکارتر و واضح‌تر شد.

انقلاب ایران با وضوح هرچه تمام‌تر نشان داد که هر قدر جنبه رهایی بخش ضد امپریالیستی و خلقی انقلاب قاطع‌تر و بی‌گیرتر باشد، به همان اندازه نیز کینه حیوانی و خصومت امپریالیسم آمریکا و در عین حال همدستی سایر دولت‌های امپریالیستی علیه انقلاب شدیدتر و گسترده‌تر است. و درست برخلاف بینه لیبرال‌های طراح سیاست و رشکسته گام به گام (که در مقابل قاطعیت بی‌گیر نیروهای اصیل انقلاب به رهبری امام خمینی، اکنون علنا اظهار ندامت و پشیمانی از انقلاب می‌کنند) این قاطعیت و بی‌گیری انقلابی، که بازتابش هم‌دستی و خشونت حیوانی امپریالیسم، به سرکردگی امپریالیسم آمریکا علیه ایران و انقلاب شکوهمند آنست، سبب افتخار و سربلندی مردم رزمنده این

با مشخصات عده مشترک. بار دیگر در عمل نسبت به ایران و انقلاب آن دیده شد که سیاست امپریالیستی سیاستی است غارت‌گرانه، ظالمانه و تجاوزکارانه، که وظیفه اساسی اش تحمیل سلطه سرمایه‌داری انحصاری کشورهای امپریالیستی (متروپل) بر دیگر کشورها و خلق‌ها است.

هنگامی که امپریالیسم آمریکا برای احیای تسلط خانمان براندازش بر ایران، محاصره اقتصادی آن را اعلام کرد، دول امپریالیستی اروپای غربی و ژاپن نیز هر یک به فراخور احوال خویش در محاصره اقتصادی ایران شرکت جستند.

زمانی که امپریالیسم آمریکا دست به تدارک توطئه و تجاوز نظامی علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران زد و ناوگان‌های خود را یکی پس از دیگری روانه آبهای خلیج فارس و سواحل ایران کرد، دولت‌های آلمان غربی و انگلستان هم، آن قدر که می‌توانستند، در این تهدید و تجاوز شرکت جستند، و دولت فرانسه با پلیس خود مقر بختیار جنایتکار را در پاریس زیر پوشش گرفت، تا وی بتواند آسوده‌تر به تدارک اجرای دستورالعملها (رهنمود افشا شده) کارتر-برژینسکی علیه ایران و انقلاب شکوهمند آن بپردازد و سعی کند تا همه

حجت‌الاسلام خامنه‌ای، امام جمعه تهران، در خطبه‌های نماز جمعه، به مناسبت روز قدس با اشاره به دولت انگلیس متذکر شد:

"نه اینکه این دولت را نمی‌شناختیم، بلکه ادعای ریاکارانه دولت‌های اروپا همه ظاهر و واضح شد و توطئه‌های آنها برملا گردید."

تعمیق جنبه ضد امپریالیستی انقلاب شکوهمند مردم ایران نه فقط به افشای هر چه بیشتر خدمت‌گزاران و عمال ایرانی امپریالیسم آمریکا کمک کرده است، بلکه در عین حال بیش از پیش برده از روی سیمای کریمه دولت‌های دیگر امپریالیستی نیز بر- داشته است.

در آغاز بیروزی انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی ایران به رهبری امام خمینی، بودند سیاست‌مردان و اندیسمدانی که گمان می‌کردند به اصطلاح حساب امپریالیسم آمریکا از حساب دولت‌های امپریالیستی اروپای غربی و ژاپن جدا است. بعضی از آنها حتی به این باور بودند که در مبارزه علیه امپریالیسم آمریکا گویا می‌توان از دولت‌های اروپای غربی و ژاپن نیز استفاده کرد. اما واقعیت سرسخت زندگی روزانه و مبارزه بی‌گیر و قاطع توده‌های مردم مستضعف به زودی واهی بودن این گمان را به ثبوت رساند. دیده شد که امپریالیسم، در هر لباس که بوده باشد، چه لباس ملی (امریکایی، انگلیسی، آلمانی، فرانسوی، ژاپنی) چه لباس منطقی (امریکا، اروپای غربی، آسیا) و چه سیاسی، در هر حال امپریالیسم است

در جلسه علنی

روز دوشنبه

و برای تمایل

نمایندگان:



محمدعلی رجائی نخست وزیر شد

حجت الاسلام کروبی: ملت انتظار دارند که تمام جزئیات مربوط به سران کودتا و تسویه چنان در اختیار عموم قرار گیرد. تا بحال از مصلحت اندیشیها و کتمان حقایق جز ضرورتی عایدان نشده است.

در جلسه علنی پریروز مجلس، که در ساعت ۱۱ صبح به ریاست حجت الاسلام رجائینی تشکیل شد، نخست وزیری آقای محمد علی رجائی طی بوسیله رای تمایل نمایندگان قطعی شد.

نخستین ناطق قبل از دستور جلسه، حسین ناشینی، در باره مشکلات حوزه انتخاباتی و بویژه مشکل کمبود بزرگ سخن گفت و از بزرگان خواست که برای خدمت به مردم محروم روستاها و شهرستانهای کوچک به این نقیصه بپردازند.

ناطق بعدی مهاجرانی، نماینده شیراز، ضمن اشاره به مراکز قدرتی که دولت موقت همیشه از آن می نالید و خطاب به دولت جدید گفت: "باید وحدت بین دولت و انقلاب ایران را در چهره کابینه جدید دید."

کابینه جدید باید به نهاد مصلحتی انقلابی متکی باشد و منجمله از طرزی که دانشجویان مسلمان بیرون خط امام در این مورد داده اند، استفاده نکند.

وی افزود: "دولت باید با ویژگیهای انقلاب..."

یعنی مردمی بودن آن مطابقت کند. در این کشور نهادهایی رشد کرده اند مانند سپاه پاسداران که به تعبیر امام "اگر سپاه نبود کشور هم نبود..."

نهادهایی مثل جهاد سازندگی، که برادران و خواهران ما با ایثار و فدای کاری و تحمل رنجها انقلاب را به گوشه و کنار کشور برده اند. اگر دولت با این نهادها ترکیب شود، اگر امانت را به نهادهای انقلابی بدهد و این نهادها مطرح باشند و اگر معتقد نباشیم قحط الرجال است (که بسه تعبیر آیت الله منتظری جهل الرجال است) دیگر مساله تعدد مراکز قدرت از بین می رود."

حجت الاسلام مهدی کروبی، نماینده الیگودرز، آخرین سخنران قبل از دستور جلسه علنی مجلس، در ارتباط با توطئه کودتای اخیر گفت:

"سالها در این سرزمین در مقابل خفقان و ظلم مبارزه و فداکاری شد. عده کثیری از این ملت غیور و مبارز به شهادت رسیدند، تا اینکه به رهبری قاطع امام و فداکاری مردم، انقلاب به پیروزی رسید. از همان ابتدا توطئه ها پشت سرهم جریان داشت و برای نابودی انقلاب نیروهای ابلسی تلاش، توطئه و کارکنی می کردند و هنوز هم می کنند... اما با هدایت امام و هیئاری مردم، توطئه ها تاکنون یکی پس از دیگری خنثی شده و به نتیجه نرسیده اند. اینهمه شایعه پراکنیها و برچسبها، که بمنظور تضعیف رهبری انقلاب و ایجاد تشتت و نفاق بین مردم انجام می گرفت، به نتیجه نرسید و مردم انقلابشان را پاسداری و دنبال کردند و نمونه کاملاً راه پیما بی ۲ روز پیش (روز قدس) بود، که با آنهمه تبلیغات سوء دشمن، دیدیم که با چه شور و هیجانی انجام

گرفت...

حجت الاسلام کروبی در ادامه سخنان خود گفت:

"از توطئه های خطرناک برای انقلاب بعد از توطئه طیس، توطئه کودتایی بود، که یکماه پیش کشف شد. این توطئه در سطح وسیعی پی ریزی شده بود و تنها هیئاری نیروهای انقلابی در سپاه و کمیته مرکزی و نیروی هوایی... کشف و خنثی شد. اما مساله ای که میماند این است که، دستهایی مختلف در این توطئه شرکت داشتند و نیروها بی برای نابودی انقلاب با دشمنان ملت ساخت و پخت کردند. ملت انتظار دارد کسه اعترافات سران کودتا و توطئه چینیان درجه اول و فیلمها و نوارهای موجود از آنان در اختیار عموم مردم قرار گیرد، تا از تمام جریانات مطلع شوند... این مردم با وفا، که جان بر کف در راه انقلاب فداکاری می کنند، ماهیت افراد و جمعیتها را باید بشناسند و بدانند چه کسانی با دشمن رابطه داشتند، بدانند چه کسانی قرار بود بعد از به شهادت رسانیدن امام بیایند و پیام رادیویی بدهند و مردم را ساکت کنند..."

وی در پایان سخنان خود گفت: "تا بحال از مصلحت اندیشیها جز زیان و ضرر نتیجه ای عایدان نشده است. ببینید در همین جریان مدنی، مدنی که اینهمه پرونده داشت، چرا باید کاندیدای ریاست جمهوری شود و ۲ میلیون رای بیاورد؟ کتمان حقیقت جز اینکه بضرر ما بوده چه نتیجه ای داشته است؟ اینها مسائلی است که مردم باید در جریان باشند و پنجه های خونینی که علیه آنها توطئه می کرده، بشناسند. آنچه مسلم است با مطرح شدن مسائل و بخش نوارها مشخص میشود، چه کسانی در جریان توطئه همکاری داشتند و چه خیانتیایی کرده اند..."

پس از سخنان قبیل از دستور نمایندگان، در مورد نخست وزیری محمد علی رجایی رای گیری شد و در نتیجه آقای محمد علی رجایی با ۱۵۲ رای موافق، ۲۲ رای مخالف و ۱۹ رای ممتنع به سمت نخست وزیری ایران انتخاب شد.

سپس نمایندگان سازمانهای اسلامی و نهضت های مردمی، با دعوت قبلی که از آنها شده بود، در مجلس حضور یافتند. حجت الاسلام رجائینی ضمن خیر مقدم به آنان سخنانی بیان کرد. سپس یکی از شرکت کنندگان در کنگره، به نمایندگی از جانب تمام هیئت های نمایندگی، سخن گفت. حجت الاسلام محمد منتظری در باره کنگره آزادی قدس توضیحاتی داد و از جمله گفت: "در مورد مساله فلسطین ما خیلی کوتاهی کردیم، و بیشتر شعار دادیم و کمتر عمل کردیم. انقلاب فلسطین در پیروزی انقلاب ایران نقش موثری داشته است."

وی افزود: "باید سعی کنیم در این مجلس شورای اسلامی تصمیمات جدی برای کمک به نهضت های رها بخش دنیا اتخاذ کنیم... امیدواریم بتوانیم با تشکیل یک کمیته دائمی قدس، این مساله (آزادی قدس) را بطور دائمی تعقیب کنیم و در حل آن موفق شویم..."

پس از وی، هانی الحسن نماینده سازمان آزادیبخش فلسطین در طی سخنانی گفت: "ما فلسطینیها مدت ۱۵ سال جنگیده ایم و پایه جهاد را در فلسطین ریختیم"

دفتر نامه «مردم» در گر مسار...

بقیه از صفحه ۱

کنند، اما مردم اعلام کردند که این عملی صدانقلابیست و مانع کار آنها شدند. اما ساعتی بعد که جمعیت بار دیگر به مقابل دفتر رسیدند، چهره های شناخته شده ای که در گذشته نیز در حمله به دفتر "نامه مردم" شرکت فعال داشتند خود به دفتر حمله کردند. در این هنگام وانتی که با آن آجر و بیل و کلنگ بود به مقابل دفتر آمد و بار خود را بزمین ریخت و اوباشان با آجر و بیل و کلنگ به تخریب دفتر پرداختند. درها و پنجره ها را از جای در آورده و در مقابل چشمان حیرت زده مردم، به آتش کشیدند. در پی این عمل ضد انقلابی نظارات برهم خورد.

ضدانقلابیون، خشم و نفرت مردم گرمسار را برانگیختند. انجمن جوانان مسلمان گرمسار یکی از اعضای خود را که در حمله قبل به دفتر "نامه مردم" شرکت داشت، اخراج کرد و بدین وسیله نفرت و انزجار خود را از این اعمال ابراز نمود. یکی از شرکت کنندگان در حمله قبل به دفتر "نامه مردم" مراجعه کرد و از عمل خود اظهار پشیمانی و تاسف نمود و اعلام کرد که حاضر است برای جبران آن، در بازسازی دفتر شخصا شرکت کند.

متاسفانه پرسنل شهرستانی و افراد سپاه پاسداران که در جریان حمله به دفتر در محل حضور داشتند، در مانعت از این عمل ضد انقلابی، اقدامی صورت ندادند. در حالیکه اعلامیه دادستان کل کشور نیروهای انتظامی را موظف می ساخت که قاطعانه با اینگونه تشنات به مستقیماً به سود ضد انقلاب تمام میشود، مقابله کنند.

در جریان حمله به دفتر "نامه مردم"، آقای موسوی پیش نماز مسجد جامع گرمسار که از منافع فئودالها و مالکان بزرگ دفاع می کند و علیرغم نظار امام صریحاً اعلام می کند که "در اسلام مالکیت محدود نیست و نباید باشد"، نقش

ما منتظریم که شما در آزادی فلسطین با ما همکاری کنید. ما امیدواریم که با تشکیل کابینه جدید هر چه سریعتر به مرحله سازندگی قدم بگذارید..."

وی در پایان، بنام سازمان آزادیبخش فلسطین، از مردم ایران، و امام خمینی بمناسبت اختتامی روزی به روز قدس تشکر کرد و شرکت وسیع مردم در راه پیما بی های روز قدس را ستود.

سپس حجت الاسلام محمدیزدی شرح کامل مذاکرات و بحثهایی را که منتخب نمایندگان مجلس و نیز نماینده ریاست جمهوری در باره تعیین نخست وزیر انجام گرفته بود، به سران نمایندگان قرائت کرد.

در پایان، امامی کاشانی، که عضو هیئت منتخب نیز بود، طی سخنانی، از جمله گفت: "آقای رجایی... تا آن زمان که شما در راهید (در راه انقلاب) مجلس شماست و آن زمان که عدول کنید مجلس هم (از همکاری با شما) عدول خواهد کرد..."

مجلس شورای اسلامی تا روز شنبه آینده جلسه علنی نخواهد داشت. جلسه علنی بعدی مجلس روز شنبه آینده، ساعت ۱۵ صبح تشکیل خواهد شد.

در حاشیه مجلس

هنگامی که حجت الاسلام کروبی در سخنانش به کسانی که قرار بود بعد از شهادت امام پیام رادیویی بخوانند، اشاره کرد، حجت الاسلام خلغالی فریاد زد: "مرگ بر آنها"

بدنبال آن عده ای از نمایندگان خواهان افساء نام این افراد شدند و حجت الاسلام خلغالی تا کبید کرد "نسام آنها را صریحاً ذکر کنید..."

حجت الاسلام کروبی در پاسخ به درخواست نمایندگان گفت: آنچه مسلم است نوارها موجود است و اقرارها هم موجود. اگر مسائل مطرح شود و نوارها بخش گردند، مشخص می شود چه کسانی بوده اند..."

در روزنامه انقلاب اسلامی، مورخ ۱۹ مرداد ۵۹، درستونی بنام "روزها بر رئیس جمهور چگونه می گذرد"، آقای رئیس جمهور نوشته اند که روز شنبه ۱۱ مردادماه گزارشی را در مورد "حزب توده و

تحریک کنندهای ایفا کرد. وی که به علت مخالفت مردم گرمسار نتوانست از گرمسارنازمد نمایندگی مجلس شورای اسلامی شود، پس از شکست انتخاباتی در قزوین، بار دیگر به گرمسار بازگشته و در سه حمله ای که به دفتر "نامه مردم" صورت گرفته، مردم را تحریک نموده است.

وی داروهای موجود در دفتر "نامه مردم" را که به معالجه رایگان دهقانان اختصاص داشته است، ضبط کرده و مسترد نمی دارد.

مسئولین جمهوری اسلامی ایران، نیروهای انتظامی و بویژه دادستانی کل کشور باید در مقابل این اعمال ضد انقلابی، قاطعانه عمل کنند و مانع از آن شوند که ضدانقلاب چنین جسورانه عرصه کشور را به ویرانگری و قانون شکنی تبدیل کند.

ما خواستار اجرای سریع و جدی اعلامیه دادستان کل کشور و رعایت مسؤله قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، استرداد دفاتر اشغال شده حزب توده ایران و "نامه مردم" در سراسر ایران و دستگیری و مجازات حمله کنندگان به این مراکز هستیم.

هاشمی رفسنجانی: ما... بقیه از صفحه ۱ که در مقابل، مجلس در ارتباط با نامه قبلی، نظریه دهد."

از آقای رفسنجانی در مورد سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و نقایص و مسائلی که در این زمینه، از آغاز، موجود بوده، سؤال شد. وی گفت:

"من فکر کنم که با داشتن یک وزیر انقلابی و در خط امام، فکر کنم که کمبودها و نواقصی که در گذشته بوده، برطرف گردد."

در ارتباط با انتخاب عناصر انقلابی برای بست های حساس، رئیس مجلس متذکر گردید:

"افراد لایق را در هر کجا دیدیم، باید به آنها مسؤلیت بدهیم."

هاشمی رفسنجانی در پاسخ به این پرسش که: آیا روابط ایران و شوروی روبه تیرگی گراییده یانه، گفت:

"من از روبه تیرگی گذاشتن روابط چیزی نمی بینم. روابط همان بوده که هست."

تظاهرات اعتراضی... بقیه از صفحه ۱

بدنبال سرکوب فاشیست ما بانه تظاهرات دانشجویان ایرانی در انگلستان، که توسط پلیس این کشور انجام شد، گروههایی از مردم ایران به نشانه اعتراض در جلوی سفارت انگلستان به تظاهرات پرداختند.

از روز شنبه ۱۸ مرداد عده ای از جوانان دلیر و مبارز ایرانی عضو انجمنهای اسلامی، در جلوی سفارت انگلستان اعلام تحسن و روزه سیاسی کردند. بدنبال این عمل، گروههای مختلف مردم به حمایت از این جوانان در جلوی سفارت انگلستان اجتماع کردند.

خبرنگار "نامه مردم" که روز دوشنبه ۲۰ مرداد از محل دیدن کرد، می نویسد:

"مردم با مشت های گره کرده و شعارهای ضد امپریالیستی خود روش پلیس انگلستان را در برابر دانشجویان قهرمان ایرانی محکوم کردند. آنها همچنین به اعمال مشابهی که از سوی پلیس فاشیستی آمریکا و ایتالیا انجام گرفت، اعتراض می کردند. مردم شعار می دادند: "مرگ بر پلیس فاشیست آمریکا و انگلیس"

این تظاهرات بخوبی نشانگر درکی است که مردم قهرمان ما از امپریالیسم جهانی بسرکردگی آمریکا جهان خوار دارند. آنان می دانند که امپریالیسم انگلستان، فرانسه، ایتالیا و... در ماهیت فرقی با آمریکای جنایتکار ندارند و انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی ایران منافع تمامی آنان را به خطر انداخته است. بی جهت نیست که در سرکوب مبارزات دانشجویان ایرانی، پلیس تمامی این کشورها به روسی مشابه، یعنی برخورد ددمنشانه به تظاهرات آرام دانشجویان، متوسل می شوند. درست، بهمانگونه که در توطئه علیه انقلاب ایران، تمامی کشورهای امپریالیستی به روشی یکسان دست می یازند. امپریالیسم فرانسه همانقدر بختیارها، نژدها و سایر مزدوران رابیع می کند که امپریالیسم آمریکا. امپریالیسم انگلستان همانگونه عوامل توطئه علیه انقلاب را سازمان می دهد و تجهیز می کند که امپریالیسم آلمان غربی آری، امپریالیستهای همگی دشمن انقلاب ما هستند. اسم آنها مهم نیست، و این را مردم ما خوب می فهمند."

توضیح

تماس با فدائیان و مجاهدین برای همکاری مطالعه کرده اند. حزب توده ایران بدینوسیله اعلام می دارد که مضمون گزارش مزبور صحت ندارد.

نهال انقلاب دیر به میوه می نشیند، ولی به میوه خواهد نشست

خرابکاریهای امپریالیسم و متحدین ایرانی آن در داخل و خارج، مشکلات طبیعی تحولات انقلابی را در کشور ما چند برابر ساخته است

اکنون ما در مرحله‌ای هستیم که رژیم کشورها و وظایف عملی آن باید باز هم بیشتر مشخص شود. برخی‌ها در واقع تمایل به نوعی تمرکز قدرت در دست ریاست جمهوری دارند. برخی این سبوه را موافق قانون اساسی مصوب نمی‌شمرند و تمرکز قدرت را در مجلس شورای اسلامی طالبند.

امام همگاری صمیمانه این دو ارگان را برای ایجاد دولت و برنامه دولتی ضروری می‌شمرد. در واقع هم اگر این همکاری صمیمانه تأمین نشود، رژیم ایران از جهت سیاسی دچار مشکلات بزرگی خواهد شد و یک نوع نطفه انفجاری را در خود نهان خواهد داشت.

بودن امام، بعنوان رهبر با نفوذ روحانی و سیاسی انقلاب، مانع چنین انفجاری است. ولی مطلب را نمی‌توان همیشه با حساب مداخلة امام حل کرد. باید جریان را طوری فیصله داد که رژیم برخاسته از انقلاب بتواند کار کند. این مشکل مهمی است که بروز کرده و امپریالیسم با توجه کامل می‌خواهد از این مشکل برای دهن کردن انقلاب ایران بهره‌برداری کند.

پس از تعیین نخست وزیر و تشکیل کابینه و تنظیم برنامه و تصویب آنها به وسیله مجلس، پس از تصویب یک سلسله قوانین ضروری اولیه، آنوقت رژیم سیاسی برخاسته از انقلاب، تمام نهادهای دولتی و اجتماعی خود را ایجاد کرده و آماده عمل است. از آنروز که اگر بدرستی و سریعاً عمل شود، نباید از چند ماه دیگر تجاوز کند) منطقی است که ما عمل کرد رژیم را مورد بررسی قرار دهیم و توقعات معینی را مطرح کنیم.

روند دوران انتقال را فعالیت خرابکارانه و مذبذبه امپریالیسم بر مراتب دسوارتر از آن ساخت که یک انقلاب عظیم خلقی ناچار با چنان دشواریهایی همراه است.

تا امروز نتوانسته‌است مانع سیر انقلاب شود. نمایش اخیر "روز قدس" نشان داد که امپریالیسم در منفرد کردن امام خمینی در افکار عمومی، که یکی از مهمترین هدف‌های اوست، موفقیتی نداشته است.

با آنکه امپریالیسم موفق نشده، اما نوانسه است سیر امور را کند کند، مشکلات اقتصادی و اجتماعی فراوانی بوجود آورد، سدانگ توجه رژیم انقلابی را (که باید صرف رفع مشکلات زندگی عمومی شود) صرف دفاع از خود کند. مشکلات اقتصادی مانند تورم، گرانی، بیکاری، فلج تولید صنعتی و مشکلات اجتماعی و سیاسی موجود در بخش عمده مولود خرابکاری امپریالیستی است، ولی شایعه افکنان دست‌نشانده امپریالیسم و ارتجاع همه آنها را به حساب "آخوندها" می‌گذارند و مسلماً منظور آنها از "آخوندها" نه "وعاظ السلاطین" و عمامه‌سرها همگرا ساواک و شرکت کننده در کودتا، بلکه روحانیب مبارز نیرو خط امام خمینی است.

هر ایرانی می‌تواند از خرابکاریهای امپریالیستی (مانند مسدود کردن دارائی ایران در بانک آمریکا، سانه دادن و تقویت خانواده پهلوی و ضد انقلابیون دیگر مانند بختیار و اویسی، تحریکات خونین در کردستان و خوزستان و نقاط دیگر، تجاوز آشکار طیس، توطئه کودتایی اخیر علیه رژیم انقلابی، محاصره اقتصادی ایران، مرکز نیروهای دریایی و هوایی در عمان، تربیت مزدوران ساواکی در خاک مصر و عمان، تحریک عراق به تجاوز دائمی علیه ایران، تحریک لیبریهای ایرانی به ناسازگاری با رهبری انقلاب، ایجاد گروهک‌های ترسناک و ماوئیست و انداختن آنها به جان انقلاب بنام "انقلاب سرخ" و "قیام مسلحانه علیه فالتاریسم"، رخه در سازمانهای صندق انقلابی و کمراه کردن آنها، نفوذ دادن ساواکیها در صفوف گروههای افراطی مذهبی و وادار ساختن این گروهها به اقدامات آتاریستی، حمله به دفاتر احزاب و به کتاب سوزی و غیره، سوء استفاده وسیع از مطبوعات و رادیو و تلویزیون و دستگاه دولتی برای بختن دروغ و سوء اطلاع و عبره و غیره.) اعمام انگلوساکسون (واسکون و لندن) حه نفیای عرق‌ریزی را برای خفگی کردن و مسخ انقلاب ایران ایفا کرده‌اند و تا این لحظه که این سطور را می‌نویسیم، کمترین فتوری در این مقلها روی نداده و کار بر اعلام دانسه‌اس که، هرگز از کوشش خود برای سرنگون کردن ماصلاح او

انقلاب ایران پس از برانداختن رژیم پهلوی، بلافاصله، آنطور که برخی‌ها اعلام می‌داشتند، وارد مرحله نوسازی نشد و نمی‌توانست هم بشود. ما از همان آغاز بیروزی انقلاب، با تاکید و تکرار نوشتیم که هر انقلاب ژرفی که بخواهد در نظام اجتماعی تغییرات بنیادی ایجاد کند، ناچار است از سه مرحله منطقی ضروری بگذرد، یعنی:

۱- مرحله برانداختن نظام کهن.

۲- مرحله انتقال، که طی آن باید "که بر که" از جهت سیاسی انجام گیرد، یعنی روشن شود که بین نیروهای سیاسی دست اندرکار در مرحله اول (براندازی) کدام یک و یا کدامها (در اختلاف با هم) ابتکار را در دست می‌گیرند و لیاقت خود را برای ایجاد یک تشییت نوین به منصفه بروز می‌رسانند.

۳- مرحله نوسازی، که طبق آن باید "که بر که" از جهت سیاسی تکمیل و از جهت اقتصادی تحقق پذیرد، یعنی نظام نوین واقعاً بتواند از جهت ایجاد یک اقتصاد و فرهنگ مستقل و شکوفان و خلقی، به مراتب بهتر از وضع گذشته ایجاد کند، والا انقلاب برای چه صورت گرفته است؟

دولت موقت مهندس بازرگان از همان ابتدای کار این اشتباهی کاذب و سیرناکردنی را در جامعه ایجاد کرد که گویا مشغول "نوسازی" است و انقلاب تمام شده است و بزودی ما به نتایج مثبت آن دست می‌یابیم. در همان موقع امام خمینی گفت که: انقلاب در راه است و هنوز مراحل مهمی باید حل شود. امام خمینی گفت: پس از تصویب قانون اساسی و تشکیل مجلس و دولت و روشن شدن برنامه دولت می‌توان گامهای اساسی را برداشت. مطلب روشن است: تصویری که از نوسازی جامعه در ذهن لیبرالها وجود داشت، با تصویری که روحانیت مبارز و برراس آن شخص امام از آن داشت، حه از لحاظ اقتصادی، حه از لحاظ سیاسی و حه از نظر فرهنگی، یکسان نبود. لازم بود که این تصورات ابتدا مشخص شود و سپس نظر عموم درباره آن خواسته شود. رای گیری راجع به جمهوری اسلامی، انتخاب مجلس خبرگان، همه‌رسی قانون اساسی، انتخابات رئیس جمهور و مجلس شورای اسلامی، یعنی رای گیری در پنج مورد حساس، گامهایی بود که در سمت مشخص کردن حدود و ثغور نظام نو برداشته شد. این اقدامات در تاریخ ایران بی‌سابقه بود.

این واقعیتی است که در این رای گیری‌ها، اکثریت سنگین جامعه ما به آنچه که امام گفت، رای دادند و تکامل انقلاب ما در مرحله انتقال، مانند مرحله براندازی، با انکاء به آراء وسیع خلق انجام گرفت، و این خصیصه خلقی و دمکراتیک یکی از ویژگی‌های مهم انقلاب ماست، که آنرا ممتاز می‌کند و این منطق را از دست دشمن می‌ستاند که گویا در ایران گروهی اراده خود را به زور تحمیل کرده‌اند.

نقش خرابکارانه و تحریک آمیز پکن در جنوب شرقی آسیا

تکوین خاک وین، روشنفکر برجسته و دانشمند علوم سیاسی و روزنامه‌نگار ویتنامی، در محاسبات، نقطه نظری خود را درباره اوضاع مرزی تایلند - کامبوج و اثرات آنرا بر روابط میان کشورهای آسیای جنوب شرقی اعلام کرد.

تکوین خاک وین گفت: "بدا ز بیروزی نیروهای انقلابی کامبوج در ژانویه ۱۹۷۹، بقایای دار و دسته پهل بوت - یینگ ساری به تایلند گریخته و در این کشور مراکز خرابکاری علیه انقلاب کامبوج ایجاد کردند. این اوضاع یک منبع دائمی خطر برای کامبوج است."

تدوین خاک وین گفت: "پکن که از رژیم خون آشام پهل بوت - یینگ ساری حمایت می‌کند، در این جریان نقشی بنیادین خرابکارانه داشته است، بر شری طلبان پکن که از طریق حمایت از رژیم خیمه شب - بازی پهل بوت، آرزو داشتند ویتنام متحد را در جنوب آزاد شده مورد تهدید دائمی قرار دهند و در فرمت مناسب، بموجب اسناد بدست آمده، نواحی دلتای رود مکونگ و سایگون را تصرف کنند، اکنون نمی‌توانند از دست دادن کامبوج را "هضم" کنند منام های تایلندی نیز به فشارهایی که به این کشور اعمال می‌شود، تسلیم شده و خاک تایلند راه مرکز خرابکاری علیه

محاكمه جاسوسان و مزدوران آمریکایی در کابل پایتخت

محاكمه عده‌ای از جاسوسان و مزدوران آمریکا که علیه مردم بیگناه افغانستان دست به جنایت زده و از جمله آب چند مدرسه را در کابل مسموم کردند، پایان یافت.

در جریان محاكمه اسناد و مدارک غیر قابل انکاری ارائه شد، که در آنها با کمال روشنی و مراحت ثابت شده است که باند های مزدور، در پاکستان آموزش می‌بینند. سر دشته مزدوران، در دادگاه گفت که مواد سمیائی برای مسموم کردن آب مدارس، در اردوگاه سیاور به این باند تحویل داده شده بود.

همچنین در حومه هرات گروه های مسلح خلقی (دفاع از خود)، ۳۵ مزدور را با زداشت کردند. این مزدوران که به سلاحهای ساخت چین و آمریکا مجهز بودند، یک مدرسه را منفجر کردند و قرار بود یک مدرسه دیگر را نیز نابود سازند. مردم هرات هنگام مشاهده مزدوران بارداست شده، مشت های گره کرده خود را به آنها نشان دادند و چند بار قهقهه به آنها را داشتند.

مزدوران کرفسار شده اعتراف کردند که کارشانان "سیا" در پاکستان برای انجام هر خرابکاری در افغانستان، "حق و حساب مخصوص" تعیین کرده‌اند.



مقامات حاکمه و اشینگتن به مردم آمریکا دروغ می گویند

"مرکز اطلاعات دفاعی" آمریکا، در گزارشی در باره بودجه نظامی این کشور، تلویحا به تحقیق افکار عمومی این کشور بوسیله هیئت حاکمه واشنگتن اعتراف کرده است. این مرکز در گزارشی خود اعلام می‌کند که در سال ۱۹۸۱، آمریکا بیش از ۱۵۷ میلیارد دلار برای مخارج نظامی خرج خواهد کرد، که حدود چهار میلیارد دلار از بودجه نظامی سال ۱۹۸۰ بیشتر است. جن لاروک، دریا سالار بازنشسته آمریکا و مدیر این مرکز گفت: "حتی اگر افزایش تورم را در آمریکا در نظر بگیریم، متوجه می‌شویم که بودجه نظامی آمریکا سالیانه بیش از ۷ درصد افزایش می‌یابد. در صورتیکه مقام های رسمی به مردم می‌گویند بودجه جنگی سه تا چهار درصد افزایش خواهد یافت."

بدین ترتیب حتی باره ای از موسسات آمریکایی نیز تلویحا اعتراف میکنند که هیئت حاکمه واشنگتن، این غلامان حلقه بیکوش انحصارات، تا چه حد به مردم دروغ می‌گویند دریا سالار لاروک در گزارش خود یاد آور میشود که تبلیغات در مورد بر شری نظامی سوروی و ایمان ورشو بی اساس است. وی می‌گوید که افزایش مخارج نظامی آمریکا در واقع به از هم باسیده تر شدن اوضاع اقتصادی کشور منجر خواهد شد.

برای مقابله با تجاوز نظامی امپریالیسم آمریکا تمام خلق باید از نظر نظامی مجهز شود